

Factors affecting economic growth in development: plans of the period of Iran's 1404 Vision Document

Farhad Dejpasand*, Mohammad Salari Shahri**

Original Article	Receive Date: 2025 Feb 11	Accept Date: 2025 Feb 22	Page: 424-457
------------------	---------------------------	--------------------------	---------------

Abstract

One of the important goals of governments in the field of macroeconomics has always been to create stable and high economic growth, therefore, this goal has also been given a special place in development programs. However, although Iran has almost reached the final year of its first vision document, the economic growth rate goals set in development plans to achieve the vision have not been achieved, and it is important to identify the factors that have hindered the realization of said growth. Therefore, the purpose of this article is to examine the factors affecting Iran's economic growth in the years of the Vision Document. The research period was from the first quarter of 2005 to the first quarter of 2023, and the simultaneous equations system and the two-stage least squares method were used to estimate the model. The research results show that, the variables of real GDP and foreign direct investment had a positive relationship, and the consumer price index and sanctions in 2012-2015 and 2018-2021 had a negative relationship with real investment. Also, the variables of real GDP and China's GDP had a positive relationship, and the free market exchange rate, sanctions in 2012-2015, and 2018-2021 had a negative relationship with exports. Finally, imports and the coronavirus have a negative relationship, and investment, exports, previous economic growth, government spending, and resources from the sale of oil and petroleum products have a positive relationship with real GDP. Given that it was found that investment and exports have a positive relationship with GDP, all variables that have led to a decrease or increase in investment and exports have also led to a decrease or increase in GDP.

Keywords: Development plans, Economic growth, System of equations, Vision Document

JEL Classification: O2 ·B22 ·C01.

* Associate Professor, Faculty of Economics and Political Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (Corresponding Author)
f_dejpasand@sbu.ac.ir

** Master Graduate, Faculty of Economics and Political Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی در برنامه‌های توسعه دوره سند

چشم‌انداز ۱۴۰۴ ایران

فرهاد دژپسند*، محمد سالاری شهری**

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۳	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۴	شماره صفحه: ۴۲۴-۴۵۷
-------------------	--------------------------	-------------------------	---------------------

چکیده

همواره یکی از اهداف مهم دولت‌ها در حوزه اقتصاد کلان، ایجاد رشد اقتصادی با ثبات و بالا بوده است. از این رو، این هدف در برنامه‌های توسعه نیز جایگاه ویژه‌ای به خود اختصاص داده است؛ اما با اینکه کشور ایران تقریباً به سال پایانی اولین سند برنامه چشم‌انداز خود رسیده، عملاً آن اهداف مربوط به نرخ رشد اقتصادی که برای تحقق چشم‌انداز در برنامه‌های توسعه هدف‌گذاری شد، محقق نشده و شناسایی عواملی که مانع تحقق رشد مذکور شده، حائز اهمیت است. از این رو، هدف مقاله حاضر بررسی عوامل مؤثر بر رشد اقتصاد ایران در سال‌های پس از ابلاغ سند چشم‌انداز است. بازه زمانی تحقیق از فصل اول سال ۱۳۸۴ تا فصل اول سال ۱۴۰۲ و برای تخمین مدل از سیستم معادلات هم‌زمان و روش حداقل مربعات دومرحله‌ای استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بر اساس معادله سرمایه‌گذاری؛ متغیرهای تولید ناخالص داخلی حقیقی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی رابطه مثبت و شاخص قیمت مصرف‌کننده و تحریم‌های دو مقطع زمانی ۱۳۹۱-۱۳۹۴ و ۱۳۹۷-۱۴۰۰ رابطه منفی با سرمایه‌گذاری حقیقی داشته‌اند. بر اساس معادله صادرات؛ متغیرهای تولید ناخالص داخلی حقیقی و تولید ناخالص داخلی کشور چین رابطه مثبت و نرخ ارز بازار آزاد، تحریم‌های ۱۳۹۱-۱۳۹۴ و ۱۳۹۷-۱۴۰۰ رابطه منفی با صادرات داشته‌اند. در نهایت، بر اساس معادله تولید ناخالص داخلی حقیقی؛ واردات و ویروس کرونا رابطه منفی و سرمایه‌گذاری، صادرات، رشد اقتصادی دوره قبل، مخارج دولتی و منابع ناشی از فروش نفت و فرآورده‌های نفتی رابطه مثبت با تولید ناخالص داخلی حقیقی داشته‌اند. همچنین، با توجه به اینکه رابطه مثبت سرمایه‌گذاری و صادرات با GDP نمایان شد، تمامی متغیرهایی که منجر به کاهش یا افزایش سرمایه‌گذاری و صادرات شده‌اند دلیلی بر کاهش یا افزایش تولید ناخالص داخلی نیز بوده‌اند.

واژه‌های کلیدی: برنامه‌های توسعه، رشد اقتصادی، سند چشم‌انداز، سیستم معادلات هم‌زمان

طبقه‌بندی JEL: O2، B22، C01.

* دانشیار، عضو هیئت علمی گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

f.dejpasand@sbu.ac.ir

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد اقتصاد نظری، گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۱- مقدمه

در اوایل دهه هشتاد، سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ شد که این سند به‌عنوان یک ابزار یا سند بالادستی قرار گرفت و قرار شد برنامه‌های توسعه در قالب آن تدوین شود. بر اساس متن این سند، ایران در افق ۱۴۰۴ باید دارای ویژگی‌هایی ازجمله؛ توسعه‌یافته متناسب با مقتضیات فرهنگی، تاریخی، اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی - برخوردار از دانش پیشرفته و توانا در تولید علم و فناوری با تکیه بر سهم غالب منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی - برخوردار از رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، توزیع مناسب درآمد و به‌دوراز فقر و تبعیض - دست‌یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی - و دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت، باشد؛ اما در سال‌های پس از ابلاغ سند مذکور مشکلات و چالش‌هایی ایجاد شد که عملاً بسیاری از اهداف برنامه‌های توسعه و سند چشم‌انداز محقق نشد و با توجه به اینکه فرصت اندکی تا پایان دوره این سند باقی‌مانده و فاصله زیادی بین عملکرد و اهداف وجود دارد، می‌توان بیان کرد سند چشم‌انداز به‌نوعی با یک شکست مواجه شده است.

یکی از موارد مهم در ارزیابی سند چشم‌انداز و برنامه‌های توسعه، بررسی عملکرد متغیرهای کلان ازجمله رشد اقتصادی است. رشد اقتصادی یکی از مهم‌ترین اهداف هر کشور به‌شمار می‌آید و در ایران نیز با توجه به منابع غنی طبیعی، موقعیت جغرافیایی و نیروی انسانی مستعد، این موضوع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این راستا، برنامه‌های توسعه که بعد از سند چشم‌انداز تدوین شده، می‌توانست نقش کلیدی در این زمینه داشته باشد؛ اما در طول هر برنامه و به‌خصوص سه برنامه موردبررسی، مشکلات و چالش‌هایی ازجمله موارد سیاسی و اقتصادی بر روی عملکرد برنامه‌ها در موضوعات مختلف اثرگذار بوده، بدین‌صورت که باگذشت قریب به ۹ دهه از شروع اولین برنامه توسعه، ایران همچنان در زمره کشورهای درحال توسعه است، به‌نحوی که با روندهای رشد بی‌ثباتی نیز همراه بوده و در دوره مذکور کشور با پدیده رشد پایین و پرنوسان مواجه بود.

در طول سال‌های اخیر (به‌خصوص در دهه ۹۰ شمسی) رشد اقتصادی در ایران با یک‌روند نابسامانی مواجه شده، به‌نحوی که رشدهای نزدیک به صفر و بسیار پایین و نوسانی گریبان‌گیر اقتصاد ایران بوده است. در طی سه برنامه توسعه^۱ چهارم (۱۳۸۴-۱۳۸۹)^۲، پنجم (۱۳۹۰-۱۳۹۵)^۳ و ششم (۱۳۹۶-۱۴۰۲)^۴ متوسط رشد اقتصادی به ترتیب ۳٫۸، ۱٫۳ و ۱٫۹ درصد بوده که با اهداف برنامه‌ها بسیار تفاوت داشته است. بدین ترتیب احصا و شناسایی عواملی که بر رشد اقتصاد ایران در سال‌های بعد از سند چشم‌انداز تأثیرگذار بوده و به‌نوعی مانع رسیدن به اهداف برنامه‌ها شده، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و می‌تواند در تصمیم‌گیری سیاست‌گذاران اقتصادی مثمر ثمر واقع شود.

۱. با سال‌های تمدیدی برنامه‌ها در نظر گرفته شده است.

۲. بر اساس سال پایه ۱۳۹۰

۳. بر اساس سال پایه ۱۳۹۰

۴. بر اساس سال پایه ۱۳۹۵

با توجه به مطالب فوق، هدف مطالعه حاضر بررسی تحولات متغیرهای کلان با تأکید بر رشد اقتصادی در سه برنامه توسعه چهارم، پنجم و ششم در دوره چشم‌انداز بیست‌ساله کشور ایران است. از این‌رو مطالب مقاله حاضر به شرح ذیل ارائه می‌شود:

ابتدا به منظور آشنایی با مفاهیم و دیدگاه‌های مختلف، مبانی نظری و مطالعات انجام‌شده پیرامون موضوع پژوهش بیان شده است. با توجه به اینکه تمرکز بر روی رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری و صادرات بوده، برای مشخص شدن عملکرد هر برنامه در زمینه‌های بیان شده، قسمت بعدی به این موضوع اختصاص یافته است. سپس یک مدل مفهومی برای نشان دادن مکانیسم اثرگذاری متغیرها بر یکدیگر تهیه شده و در ادامه مبانی مدل و روش تحقیق، نتایج آزمون‌ها و برآورد الگو نشان داده شده است. در نهایت با نتیجه‌گیری و ارائه توصیه‌های سیاستی در قسمت انتهایی، تحقیق حاضر به پایان رسیده است.

سؤال تحقیق: مؤثرترین عوامل عدم تحقق هدف‌گذاری رشد اقتصادی در برنامه‌های دوره چشم‌انداز چه بوده است؟
فرضیه تحقیق: تحریم‌ها، نرخ‌های تورم بالا و رشد غیرمعارف نرخ ارز در سال‌های موردبررسی عمده عواملی بوده‌اند که مانع تحقق هدف رشد اقتصادی ایران شده‌اند.

۲- ادبیات تحقیق

۲-۱- مبانی نظری

در هر پژوهشی یکی از مهم‌ترین مباحث، داشتن اطلاعات کافی در مورد مفاهیم و مبانی مربوط به موضوع است. رشد در لغت به معنی بزرگ شدن است. رشد اقتصادی نیز عبارت است از افزایش در تولید ناخالص داخلی یک کشور در یک دوره زمانی معین. به‌طورکلی رشد دارای مفهوم کمی است یا به عبارتی تغییرات کمی یک متغیر را بیان می‌کند. عوامل کمی و کیفی متفاوتی بر رشد اقتصادی اثرگذارند. ازجمله عوامل کمی می‌توان به افزایش نیروی کار، افزایش سرمایه، سرمایه‌گذاری و پس‌انداز، احیای زمین، اکتشاف منابع جدید و غیره اشاره کرد. از مهم‌ترین عوامل کیفی نیز تغییر فناوری، صرفه‌جویی‌های حاصل از مقیاس و سرمایه‌انسانی می‌باشند (موسوی جهرمی، ۱۳۹۲، ص ۲-۸). پیرامون موضوع رشد اقتصادی نظرات و دیدگاه‌های مختلفی بیان شده که در ادامه سعی شده در بستر تاریخی اهم آن‌ها مرور و موردتوجه قرار گیرد.

می‌توان بیان کرد اقتصاددانان اولیه مانند اسمیت و ریکاردو^۱ دیدگاه‌هایی را در مورد رشد اقتصادی بیان کرده‌اند (عزتی و سلمانی، ۱۳۹۴)؛ اما شروع نظریه‌های رشد به مارشال^۲ (۱۸۹۰) و شومپیتر^۳ (۱۹۴۲) برمی‌گردد (نادمی و بهاروند، ۱۳۹۷). مارشال بیان داشت گسترش بازارها، باعث رشد تولیدات جهانی و همچنین رشد اقتصاد داخلی و خارجی می‌شود و در نتیجه افزایش درآمد برای کشورها را به دنبال دارد. درعین حال می‌توان بیان کرد تعریف رشد اقتصادی و اصول اولیه

1. David Ricardo
 2. Marshal
 3. Schumpeter

برای تحقیق در این زمینه به شکل امروزی بر اساس مقاله رمزی (۱۹۲۸) شروع شده است (مهر آرا و رضائی برگشادی، ۱۳۹۵).

به دنبال انتشار نظریه عمومی کینز (۱۹۳۶) برخی اقتصاددانان به دنبال راهی برای پویا کردن نظریه ایستای کوتاه مدت کینز به منظور تحقیق درباره پویایی بلندمدت اقتصاد سرمایه داری بودند. هارود^۱ (۱۹۳۹، ۱۹۴۸) و دومار^۲ (۱۹۴۶، ۱۹۴۷) به صورت جداگانه نظریه هایی را توسعه دادند که نرخ رشد اقتصاد را به موجودی سرمایه مرتبط می کرد. در صورتی که کینز بر تأثیر سرمایه گذاری بر تقاضای کل تأکید داشت، درواقع هارود و دومار بر این نکته تأکید داشتند که چگونه مخارج سرمایه گذاری، ظرفیت تولیدی اقتصاد را افزایش می دهند. معادله رشد هارود - دومار به صورت $G = \delta - \frac{s}{v}$ است که در آن G : نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، δ : نرخ استهلاک سرمایه، v : نسبت سرمایه - تولید، و s : بت ثابتی از پس انداز) است. بر اساس این معادله مشخص است که نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به وسیله نسبت $\frac{s}{v}$ تعیین می شود. درواقع می توان بیان داشت که هر چه نسبت پس انداز بالا، نسبت سرمایه - تولید پایین و نرخ استهلاک نیز پایین باشد، رشد اقتصادی سریع تر اتفاق می افتد. طبق باگواتی^۳ (۱۹۸۴) دل هارود - دومار در طی ربع سوم قرن بیستم به یک عنصر اصلی برای چهارچوب برنامه ریزی اقتصادی تبدیل شد. درواقع این مدل بیان می کند که مسئله اصلی توسعه عبارت است از افزایش منابع برای سرمایه گذاری (اسنودان و آر. وین، ۲۰۰۵، ص ۶۲۵-۶۲۷).

سپس، به دنبال مطالعه سولو^۴ (۱۹۵۶، ۱۹۵۷) و سوان^۵ (۱۹۵۶)، مدل نئوکلاسیک به روش مسلط در تحلیل رشد اقتصادی، در محافل دانشگاهی تبدیل شد (اسنودان و آر. وین، ۲۰۰۵، ص ۶۳۰). در الگوی ارائه شده توسط سولو رابطه بین پس انداز، انباشت سرمایه و رشد اقتصادی بر اساس تابع تولید کل توصیف شده است. در این مدل یک نقطه تعادل پایدار (وضعیت باثبات) وجود دارد و بدون در نظر گرفتن شرایط اولیه می توان به آن دست پیدا کرد. با افزایش بهره وری عوامل تولید، پیشرفت فنی برونزا، تأثیر مثبتی بر فرآیند انباشت ایجاد کرده و این الگو را با مسیر رشد متوازن متناسب می سازد. در اصطلاح اقتصادی این بدان معنی است که همگرایی بین اقتصادها در نظر گرفته شده است (مهر آرا و رضائی برگشادی، ۱۳۹۴).

در اواسط دهه ۱۹۸۰ با ارائه دیدگاه های برخی از اقتصاددانان از جمله پل رومر^۶ (۱۹۸۶) و رابرت لوکاس^۶ (۱۹۸۸) مدل های رشد درونزا به میان آمد. درواقع این دیدگاه به دنبال ارائه مدل های رشد دیگری بود تا رشد بلندمدت درآمد سرانه را به "تصمیم های سرمایه گذاری" و نه "پیشرفت فنی توضیح داده نشده" نسبت دهند. در تدوین دیدگاه ارو (۱۹۶۲)، رومر (۱۹۸۶) مفهوم سرمایه را گسترش داد به نحوی که شامل سرمایه گذاری در دانش و انباشت کالاهای سرمایه ای فیزیکی شود. از آنجا که دانش دریافتی کارگران یک بنگاه، خصوصیات کالای عمومی را دارد و در بهترین حالت

1. Harrod
2. Domar
3. Bhagwati
4. Solow
5. Romer
6. Lucas

تنها بخشی از آن را می‌توان استثنای پذیر کرد، بنابراین سرریز دانش رخ می‌دهد و در نتیجه سرمایه‌گذاری یک بنگاه در دانش (R&D)، توان تولیدی بنگاه‌های دیگر را افزایش می‌دهد. هیچ بنگاه انفرادی نمی‌تواند تأثیر مثبت سرمایه‌گذاری خود را در سرمایه فیزیکی و انسانی بر موجودی دانش جامعه، به طور کامل درونی کند. در مدل رشد درون‌زای رومر (۱۹۸۶)، توسعه دانش کل ناشی از آثار جانبی یادگیری در بین بنگاه‌ها است. در نتیجه، با افزایش موجودی سرمایه در یک اقتصاد، هر بنگاه از طریق فرآیند یادگیری ضمن کار بهره‌ورتر می‌شود؛ بنابراین، در حالی که تابع تولید بنگاه بازدهی ثابت نسبت به مقیاس و بازدهی نزولی نسبت به سرمایه را نشان می‌دهد، تابع تولید کل بیانگر بازدهی افزایش است (استودان و آر. وین، ۲۰۰۵، ص ۵۶۹-۶۶۱). طبق رومر (۱۹۹۶) نسل دوم الگوهای رشد درون‌زا رومر (۱۹۹۰)، گروسمن و هلمپن (۱۹۹۱) و آقویون و هوایت (۱۹۹۲) نوآوری و ابداعات را پایه و اساس فرآیند رشد اقتصادی در نظر می‌گیرند. در این مدل‌ها نوآوری و ابداعات نتیجه فعالیت‌های تحقیق و توسعه در بنگاه‌ها و سرریز دانش بین‌المللی ناشی از تجارت بین‌المللی است و بدین ترتیب فعالیت‌های تحقیق و توسعه، اصلی‌ترین تعیین‌کننده نرخ رشد اقتصادی می‌باشند. این فعالیت‌های تحقیق و توسعه تولید را از طریق افزایش تعداد، بهبود کیفیت، نهادهای واسطه‌ای در دسترس و غیره افزایش می‌دهد (مهر آرا و رضائی برگشادی، ۱۳۹۴).

۲-۲- پیشینه تحقیق

علاوه بر داشتن اطلاعات کافی در مورد مبانی نظری موضوع، لازم است مطالعات صورت گرفته در راستای تحقیق نیز مورد توجه باشد که از مزایای بررسی مطالعات پیشین می‌توان به مواردی از جمله؛ انتخاب روش تحقیق و برگزیدن متغیرهای مناسب برای مدل اشاره کرد. در سطح بین‌المللی و همچنین در حوزه اقتصاد ایران مطالعات مختلفی در راستای موضوع رشد اقتصادی انجام شده که در ادامه اهم آن مطالعات مرور شده است.

۲-۲-۱- مطالعات خارجی

الکس روبن^۱ (۲۰۱۳) در مقاله‌ای عوامل مؤثر بر تولید ناخالص داخلی در کشورهای در حال توسعه (مورد تانزانیا) را بررسی کرده است. این مطالعه برای دوره زمانی ۱۹۷۰-۲۰۰۹ بوده و از مدل کینز برای آزمایش در تولید ناخالص داخلی استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که تولید ناخالص داخلی تانزانیا به عنوان یک کشور در حال توسعه متأثر از مصرف (هزینه نهایی دولت و هزینه نهایی خانوار) و صادرات است. از طرفی، مشکلاتی مانند افزایش قیمت نفت، کمبود نیرو و بی‌ثباتی‌های سیاسی، منبع مشخصی برای کاهش تولید ناخالص داخلی در کشورهای در حال توسعه هستند. راجا عزیز و آمالینا از می^۲ (۲۰۱۷) در پژوهشی عوامل مؤثر بر رشد تولید ناخالص داخلی در مالزی را بررسی کرده‌اند. داده‌ها مربوط به دوره زمانی ۱۹۸۲-۲۰۱۳ بوده و برای تحلیل‌ها از روش حداقل مربعات معمولی و دیکی فولر گسترش یافته استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و نیروی کار زنان بر رشد تولید ناخالص

1. Alex Reuben

2. Raja Aziz and Amalina Azmi

داخلی مالزی تأثیر مثبت دارد، البته سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تنها متغیری است که به‌طور قابل توجهی به رشد تولید ناخالص داخلی در مالزی کمک می‌کند. همچنین، تورم با رشد تولید ناخالص داخلی رابطه منفی دارد که البته عامل مهمی برای رشد تولید ناخالص داخلی در مالزی نیست. باباتونده^۱ (۲۰۱۸) پژوهشی با عنوان هزینه‌های دولت برای زیرساخت‌ها و رشد اقتصادی در نیجریه را انجام داده است. داده‌ها برای دوره ۱۹۸۰-۲۰۱۶ بوده و در این تحقیق از روش حداقل مربعات وزنی برای آزمون نمونه سری زمانی سالانه با استفاده از مدل تصحیح خطای برداری استفاده شده است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که هزینه‌های دولت برای زیرساخت‌های حمل و نقل و ارتباطات، آموزش و بهداشت اثرات قابل توجهی بر رشد اقتصادی دارد. همچنین، هزینه‌های زیرساخت‌های کشاورزی و منابع طبیعی اثر معکوس قابل توجهی بر رشد اقتصادی در نیجریه ثبت کرده است. میا و اکتر^۲ (۲۰۱۹) در پژوهشی عوامل مؤثر بر تولید ناخالص داخلی بنگلادش را بررسی کرده‌اند. دوره زمانی این تحقیق ۱۹۹۰-۲۰۱۷ بوده و در این مطالعه از چندین آزمون تشخیصی یعنی نمودار احتمال نرمال و آزمون ناهمسانی استفاده شده است. نتیجه این مطالعه این است که تولید ناخالص داخلی بنگلادش در حال رشد بوده و پس‌انداز ناخالص و کل نیروی کار از نظر آماری عوامل مهم رشد تولید ناخالص داخلی هستند. همچنین حکمرانی خوب و ثبات سیاسی نیز نقش مهمی در رشد اقتصاد بنگلادش داشته‌اند. محمد اعظم و سالم خان^۳ (۲۰۲۰) در مقاله‌ای به بررسی اثرات آستانه‌ای رابطه بین تورم و رشد اقتصادی پرداخته‌اند. این مطالعه برای ۲۷ کشور (شامل ۱۶ اقتصاد در حال توسعه و ۱۱ اقتصاد توسعه‌یافته) برای سال‌های ۱۹۷۵-۲۰۱۸ انجام شده است. برای برآورد اثر آستانه‌ای تورم بر رشد از روش‌های اثرات ثابت و FGLS استفاده شده است. برآوردهای تجربی رابطه منفی معناداری را بین تورم و رشد بالاتر از سطح آستانه تورم نشان می‌دهد. علاوه بر این، نتایج نشان می‌دهد که تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، مخارج دولت، مخارج خانوارها و صادرات واقعی باعث تحریک رشد اقتصادی می‌شود، درحالی‌که نرخ رشد جمعیت برای رشد مناطق مضر است. شبیر^۴ و همکاران (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری خصوصی داخلی و خارجی بر رشد اقتصادی پاکستان پرداخته‌اند. این مطالعه برای دوره زمانی ۱۹۸۰-۲۰۱۷ و با استفاده از الگوی ARDL صورت گرفته است. نتایج بلندمدت نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری خصوصی خارجی تأثیر منفی و ناچیز بر رشد اقتصادی دارد، درحالی‌که سرمایه‌گذاری داخلی تأثیر مثبت بر اقتصاد پاکستان دارد. همچنین پویایی کوتاه‌مدت نشان داد سرمایه‌گذاری خصوصی داخلی و خارجی به‌طور معناداری و مثبت با نرخ رشد مرتبط است. چاندانا^۵ و همکاران (۲۰۲۱) در مقاله‌ای تأثیر مخارج دولت بر رشد اقتصادی در نیجریه را بررسی کرده‌اند. این مطالعه برای دوره ۱۹۷۰-۲۰۱۹ بوده و مدل به‌کاررفته در آن الگوی ARDL است. یافته‌های این مطالعه این است که مخارج سرمایه‌ای تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی در کوتاه‌مدت و بلندمدت دارد، درحالی‌که مخارج جاری تأثیر معنی‌داری بر

1. Babatunde

2. Shahajada Mia & Masrufa Akter

3. Muhammad Azam & Saleem Khan

4. Shabbir

5. Chandana

رشد اقتصادی در کوتاه‌مدت و بلندمدت ندارد. رینو کوماری^۱ و همکاران (۲۰۲۱) مقاله‌ای با عنوان تجزیه و تحلیل تجربی در میان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، باز بودن تجارت و رشد اقتصادی برای اقتصاد هند نوشته‌اند. این مطالعه با استفاده از داده‌های سری زمانی سالانه دوره ۱۹۸۵-۲۰۱۸ و مدل هم‌جمعی جوهانسن و خود رگرسیون برداری انجام شده است. نتایج هم‌انباشتگی جوهانسن هیچ رابطه بلندمدتی را بین هر سه متغیر فوق تأیید نمی‌کند. علاوه بر این، نتایج علیت گرنجر VAR نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی باعث رشد اقتصادی و رشد اقتصادی باعث ایجاد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌شود که این امر مؤید علیت دوسویه است. در مقابل، نتایج این مطالعه نشان داد که هیچ علیت دوسویه‌ای بین باز بودن تجارت و رشد اقتصادی وجود ندارد. اولامید^۲ و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی نوسانات نرخ ارز، تورم و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه را بررسی کرده‌اند. این مقاله برای دوره زمانی ۲۰۰۰-۲۰۱۸ بوده و با استفاده از رویکرد داده‌های پانل برای کشورهای SADC^۳ صورت گرفته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بی‌ثباتی نرخ ارز و تورم رابطه منفی با رشد اقتصادی منطقه دارد. ایجاز الدین و خلیل الرحمن^۴ (۲۰۲۲) تأثیر فساد، بیکاری و تورم بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه را بررسی کرده‌اند. این مطالعه برای ۷۹ کشور در حال توسعه جهان و در دوره زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۸ انجام شده است. در این پژوهش از آزمون‌های FMOLS، PMG، PUT و DOLS برای تخمین داده‌ها استفاده کرده است. برآوردهای آزمون PUT نشان می‌دهد که همه متغیرها دارای ترتیب ترکیبی هستند. برآوردهای FMOLS، PMG و DOLS نشان می‌دهد که فساد، بیکاری و ثبات سیاسی تأثیر منفی بر تولید ناخالص داخلی سرانه دارند، در حالی که تورم، اثربخشی حکمرانی و حاکمیت قانون تأثیر مثبتی بر تولید ناخالص داخلی سرانه دارند. آدیس یمر^۵ (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای به تأثیر سرمایه‌گذاری خارجی بر رشد اقتصاد آفریقا پرداخته است. این مطالعه برای دوره ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۶ و با استفاده از رویکرد اثرات همبسته مشترک پویا برای یک مدل تصحیح خطا صورت گرفته است و از یک طبقه‌بندی تحلیلی از اقتصادهای آفریقا استفاده می‌کند که هر کدام شکننده، عامل محور یا سرمایه محور هستند. نتایج نشان می‌دهد در حالی که اثر بلندمدت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد در اقتصادهای سرمایه محور و عامل محور به‌طور قابل‌توجهی مثبت است، اثر کوتاه‌مدت آن در اقتصادهای نوع دوم ناچیز است. همچنین، تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد در مقوله شکننده هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت ناچیز است. داگلاس ایروین^۶ (۲۰۲۴) در مقاله‌ای به پژوهشی با عنوان "آیا اصلاحات تجاری باعث رشد اقتصادی می‌شود؟ مروری بر شواهد اخیر" پرداخته است. هدف این مطالعه پاسخ به این سؤال است که آیا اصلاحات تجاری که به‌طور قابل‌توجهی موانع واردات را کاهش می‌دهد، منجر به رشد اقتصادی سریع‌تر می‌شود؟ در این راستا سه پژوهش اخیر در مورد این موضوع مورد بررسی قرار گرفته است: رگرسیون‌های بین‌کشوری با تمرکز بر رشد درون‌کشوری، روش‌های کنترل

1. Reenu Kumari

2. Olamide

۳. جامعه توسعه جنوب آفریقا

4. Ijaz Uddin & Khalil Ur Rahman

5. Addis Yimer

6. Douglas Irwin

ترکیبی در دوره‌های خاص اصلاحات و مطالعات تجربی کشوری که به کانال‌هایی که از طریق آن‌ها موانع تجاری کمتر ممکن است بهره‌وری را افزایش دهند. یک یافته ثابت این است که اصلاحات تجاری به‌طور متوسط تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی داشته است، اگرچه تأثیر آن در بین کشورها ناهمگن است.

۲-۲-۲- مطالعات داخلی

مهر آرا و رضایی برگشادی (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای به بررسی عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی ایران پرداخته‌اند. این پژوهش مبتنی بر رویکرد متوسط‌گیری بیزین و حداقل مربعات متوسط وزنی و برای دوره ۱۳۵۳-۱۳۹۱ است. نتایج حاکی از آن است که متغیرهای نسبت درآمدهای نفتی به تولید ناخالص داخلی، نسبت مجموع واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای به تولید ناخالص داخلی و نیروی کار اثر مثبت بر رشد اقتصادی داشته‌اند. از طرفی سرمایه‌گذاری‌ها و به‌ویژه سرمایه‌گذاری دولتی اثرات مورد انتظار را بر رشد اقتصادی نداشته است. همچنین عوامل درون‌زای رشد که همان عوامل مؤثر در تشکیل سرمایه انسانی هستند، نقش زیادی در تحولات رشد دارا نمی‌باشند. در نتیجه اقتصاد ایران فاقد ماهیت درون‌زایی و پویای رشد است و رشد عمدتاً از طریق منابع برون‌زا (مانند درآمدهای نفتی، واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای و نیروی کار) به اقتصاد حاصل شده است. عزتی و سلمانی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای به برآورد اثر تحریم‌های اقتصادی بر رشد اقتصادی ایران پرداخته‌اند. این مطالعه با استفاده از الگوی توزیع وقفه‌ای خود رگرسیون و برای دوره ۱۳۴۵-۱۳۹۱ انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد تا قبل از تحریم‌های گسترده نفتی ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳، رشد تولید ناخالص داخلی سرانه نیروی کار در ایران (بدون نفت) اثر مستقیم معناداری از تحریم‌های اقتصادی نپذیرفته است. دژ پسند و بخارایی (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه توسعه مالی و رشد اقتصادی در ایران بر اساس الگوی اقتصاد کلان پساکینزی پرداخته‌اند. این پژوهش با استفاده از سیستم معادلات هم‌زمان به روش گشتاور تعمیم یافته و همچنین رگرسیون خود توضیح برداری ساختاری و برای دوره ۱۳۵۳ تا ۱۳۹۳ صورت گرفته است. نتایج نشان می‌دهد به دلیل اینکه ایران کشوری در حال توسعه است و نمی‌تواند منابع بیشتری را به توسعه سیستم مالی خود اختصاص دهد و بازارهای مالی کارایی مناسب را ندارند لذا بازارهای مالی نتوانسته‌اند در خدمت بخش واقعی اقتصاد و سرمایه‌گذاری قرار بگیرند در نتیجه دیدگاه پساکینزی‌ها در خصوص ارتباط میان توسعه مالی و رشد اقتصادی در ایران در دوره مورد بررسی از نظر آماری پذیرفته نشده است. استادی (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی ایران و اثر افزایش قیمت حامل‌های انرژی پرداخته است. در این پژوهش تخمین‌ها با استفاده از سیستم معادلات هم‌زمان و روش حداقل مربعات دومرحله‌ای صورت گرفته است. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که ارزش افزوده بخش‌های مختلف اقتصادی اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارد، همچنین ضریب مخارج دولت و ضریب متغیر قیمت حامل‌های انرژی منفی و معنی دار است. حقیقت و محرم جودی (۱۳۹۵) تأثیر شوک مخارج دولتی بر رشد تولید ناخالص داخلی در ایران را بررسی کرده‌اند. داده‌ها مربوط به دوره ۱۳۵۰-۱۳۹۳ بوده و تخمین مدل با استفاده از الگوی ARDL صورت گرفته است. بر اساس نتایج تأثیر شوک مخارج دولتی جاری بر تولید ناخالص داخلی معنادار نبوده اما شوک مخارج دولتی با یک وقفه دارای

اثر مثبت و معنادار بر GDP است. فرج‌زاده و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی عوامل تعیین‌کننده رشد اقتصادی در ایران را بررسی کرده‌اند. این مطالعه با استفاده از داده‌های دوره زمانی ۱۳۵۱-۱۳۹۱ و با استفاده از الگوی رشد تعمیم‌یافته نئوکلاسیک صورت گرفته است. نتایج نشان می‌دهد بازده سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی نقش مؤثری در رشد اقتصادی داشته، اما نقش سرمایه اجتماعی و منابع طبیعی کم بوده است. نادمی و بهاروند (۱۳۹۷) به مقاله‌ای با عنوان مدل سازی عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی در ایران پرداخته‌اند. این مطالعه برای دوره ۱۳۵۲-۱۳۹۳ با استفاده از مدل مارکوف سوئیچینگ گارچ صورت گرفته است. نتایج برآورد مدل نشان داده است که رشد اقتصادی دارای دو رژیم با میانگین بالا و پایین است و همچنین نوسانات رشد یا واریانس شرطی رشد نیز دارای دو رژیم بالا و پایین است. از طرفی، اندازه دولت تأثیری غیرخطی و آستانه‌ای، متغیرهای درجه باز بودن اقتصاد، رشد تشکیل سرمایه، سرمایه انسانی، شاخص توسعه مالی و نسبت درآمدهای نفتی به تولید ناخالص داخلی همگی تأثیری مثبت و معنی‌دار و درنهایت رشد جمعیت فعال تأثیر مثبت اما بی‌معنی بر رشد اقتصادی کشور داشته‌اند. شورکی و واعظی (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی ایران با توجه به نقش شاخص‌های توسعه انسانی پرداخته‌اند. این مطالعه با استفاده از داده‌های دوره ۱۳۶۷-۱۳۹۷ و روش خود توضیح با وقفه‌های توزیعی و روش تصحیح خطا صورت گرفته است. نتایج نشان می‌دهد در بلندمدت متغیرهای شاخص بهداشت و سلامت، شاخص آموزش و شاخص استاندارد زندگی تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارند. فرجی تبریزی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای به بررسی عوامل مؤثر بر تولید ناخالص داخلی کشورهای منتخب با تأکید بر نقش نرخ ارز پرداخته‌اند. این مطالعه با استفاده از رویکرد ARDL و PMG صورت گرفته است. نتایج نشان می‌دهد در کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه در بلندمدت نرخ ارز واقعی اثرگذاری منفی و معناداری بر تولید ناخالص داخلی دارد و این تأثیر در کشورهای درحال توسعه بیشتر است. همچنین متغیرهای انباشت فیزیکی، مخارج دولت، درجه باز بودن اقتصاد و نقدینگی اثری مثبت بر تولید ناخالص داخلی داشته است. عیدوزهی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای به بررسی عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی گروه D8 پرداخته‌اند. داده‌های این پژوهش مربوط به دوره زمانی ۲۰۰۵-۲۰۲۰ بوده و با استفاده از داده‌های پانل در خصوص هشت کشور اسلامی درحال توسعه انجام شده است. برای بررسی روابط پویای بلندمدت و کوتاه‌مدت، از میانگین گروهی ادغام‌شده الگوی خود توضیح با وقفه‌های توزیعی دارای ناهمگنی و وابستگی مقطعی استفاده شده است. طبق برآورد مدل خود توضیح با وقفه‌های توزیعی تابلویی، ضریب مدل تصحیح خطا برای همه کشورهای مورد بررسی منفی و از نظر آماری معنی‌دار است. همچنین، مقدار ضریب تصحیح خطا نشان می‌دهد که بیشترین انحراف از تعادل بلندمدت، در سال اول اصلاح شده است. نتایج تحلیل علیت تابلویی، علیت دوطرفه بین رشد تولید ناخالص داخلی و سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی؛ رشد تولید ناخالص داخلی و شاخص سهولت انجام کار و شاخص ادراک فساد و شاخص سهولت انجام کار را تأیید می‌کند. علاوه بر این، رابطه‌ی علیت یک‌جانبه بین شاخص ادراک فساد و رشد تولید ناخالص داخلی، شاخص سهولت انجام کار و سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی حاصل گردیده است. دژ پسند و سالاری شهری (۱۴۰۳) در مطالعه‌ای به بررسی عوامل مؤثر بر تورم در سه برنامه توسعه دوره چشم‌انداز پرداخته‌اند. این پژوهش با استفاده از داده‌های فصلی دوره ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۰ و با استفاده از مدل

عطفی صورت گرفته است. نتایج تحقیق نشان دهنده آن است که در معادله اول یعنی معادله نقدینگی، بدهی دولت به بانک‌ها، بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی، بدهی دولت به بانک مرکزی، خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی و ویروس کرونا رابطه مثبت و نرخ سود سپرده‌های بانکی یک‌ساله رابطه منفی با نقدینگی دارند. همچنین در معادله دوم یعنی معادله شاخص قیمت مصرف‌کننده، متغیرهای نقدینگی، سهم منابع نفتی از تولید ناخالص داخلی، نرخ ارز، نسبت پول به نقدینگی، تحریم‌های سال ۱۳۸۷، تحریم‌های مقطع ۱۳۹۱-۱۳۹۴ و تحریم‌های مقطع ۱۳۹۷-۱۴۰۰ اثر مثبت برافزایش نرخ تورم داشته است. از طرفی بین تولید ناخالص داخلی (رشد اقتصادی) و شاخص قیمت مصرف‌کننده رابطه منفی وجود دارد که نشان می‌دهد رشد تولید در راستای کاهش تورم اثربخش است.

همان‌طور که ملاحظه شد مطالعات داخلی و خارجی مختلفی در خصوص بحث رشد اقتصادی صورت گرفته که از اهمیت بالایی نیز برخوردار است؛ اما پژوهش حاضر از چند جهت با مطالعات پیشین متمایز است. ابتدا باید بیان شود که در حال حاضر ایران به سال پایانی اولین سند چشم‌انداز خود رسیده و با توجه به عملکرد نامناسب در زمینه رشد اقتصادی، از این‌رو باید مطالعه‌ای در خصوص علل مؤثر بر آن صورت گیرد؛ بنابراین اولین وجه تمایز این مطالعه؛ آن است که تحلیل‌ها در قالب دوره چشم‌انداز صورت می‌گیرد و سعی می‌شود عوامل مثبت و منفی اثرگذار بر رشد اقتصادی ایران در این دوره احصا شود. مورد دوم؛ استفاده از سیستم معادلات هم‌زمان و سه معادله رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری و صادرات است. در واقع در این مطالعه سعی خواهد شد علاوه بر رشد اقتصادی، عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری و صادرات نیز مورد توجه قرار گیرد و اثرگذاری متغیرها به صورت دقیق‌تر بر یکدیگر نشان داده شود. مورد سوم؛ بررسی اثر تحریم‌های مقاطع مختلف بر رشد اقتصاد ایران از کانال‌های سرمایه‌گذاری و صادرات است که تاکنون به این شکل در مطالعات مشابه بررسی نشده است.

۳- تحولات متغیرهای کلان در سه برنامه توسعه سال‌های چشم‌انداز

سرمایه‌گذاری

تشکیل سرمایه ثابت در اقتصاد بیانگر جهت‌گیری کلی اقتصاد و رفتار سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی است. یکی از مهم‌ترین الزامات رشد ۸ درصدی تولید ناخالص داخلی در برنامه چهارم توسعه، تحقق رشد سرمایه‌گذاری به میزان ۱۲/۲ درصد در سال بود، که می‌بایست از طریق مشارکت بیشتر بخش خصوصی و استفاده از منابع خارجی و ارتقاء بهره‌وری کل عوامل تولید از طریق تحول اساسی و جدی در مدیریت اقتصادی، تحقق یابد (دژ پسند، ۱۴۰۲، ص ۲۰۳). در حالی که متوسط رشد سرمایه‌گذاری ناخالص در دوره برنامه چهارم توسعه ۵/۹ درصد بوده است؛ یعنی طی سال‌های برنامه چهارم توسعه، نرخ رشد سرمایه‌گذاری (بر اساس سال پایه ۱۳۹۰) به ترتیب برابر ۴، ۱/۷، ۱۴/۷، ۱۱/۹، ۱/۳، ۳/۲ درصد برای سال‌های ۱۳۸۴ الی ۱۳۸۹ بود^۱.

۱. سال ۱۳۸۹ سال تمدید برنامه چهارم بود.

به‌طورکلی می‌توان گفت عدم تحقق هدف‌های برنامه چهارم، در زمینه رشد سرمایه‌گذاری در کشور ناشی از مواردی مانند؛ مشکلات پیش‌روی شروع فعالیت‌های جدید مانند مجوزها، پایین بودن ضریب بازدهی سرمایه در بخش‌های اقتصادی، محوریت بیش‌ازحد سرمایه‌گذاری دولتی و متکی بودن سرمایه‌گذاری‌های دولتی به منابع حاصل از صدور نفت خام و گاز طبیعی، کارکرد محدود بازار سرمایه و نیز کارایی غیرقابل قبول سیستم بانکی به‌عنوان بازیگر اصلی تأمین مالی اقتصاد کشور، انتقال نامناسب پس‌اندازها به سرمایه‌گذاری، بالا بودن ریسک سرمایه‌گذاری در کشور، به‌عنوان مهم‌ترین چالش‌های مربوط به تشکیل سرمایه در ایران، بود که بر اساس برنامه قرار بود به رفع و کاهش موارد مذکور اقدام شود، ولی نتیجه موردنظر حاصل نشد (دژ پسند، ۱۴۰۲، ص ۲۰۴).

از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲ تحولاتی مانند اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها (دی‌ماه سال ۱۳۸۹)، آغاز تحریم‌های شدید نظام بانکی، بیمه و نفتی از سال ۱۳۹۰، آشفتگی نظام ارزی کشور و چند نرخی شدن ارز (ارز مرجع، مبادله‌ای و بازار آزاد) و افزایش دو برابری نرخ ارز در سال ۱۳۹۲ موجب اثرگذاری بر متغیرهای کلان اقتصاد کشور ازجمله نرخ رشد تشکیل سرمایه ثابت شد، به‌طوری‌که طی دوره برنامه پنجم، نرخ رشد سرمایه‌گذاری (پایه ۹۰)، از ۴٫۶ درصد در سال ۱۳۹۰، بعد از اعمال تحریم‌ها، به ۱۹- درصد در سال ۱۳۹۱، کاهش یافت. روند منفی نرخ رشد تشکیل سرمایه، به‌جز در سال ۱۳۹۳ که با تدابیر اندیشیده شده توسط دولت وقت به ۷٫۸ درصد رسیده بود، بقیه سال‌های برنامه پنجم توسعه منفی بود. رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی در دوره برنامه ششم، با رشد مثبت ۱٫۴ در سال ۱۳۹۶ شروع شد، اما مجدداً با برگشت تحریم‌ها در سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ به ترتیب به ۱۲٫۳- درصد و ۵٫۹- درصد رسید. علت اصلی کاهش سرمایه‌گذاری کل در سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ کاهش سرمایه‌گذاری در بخش ماشین‌آلات تحت تأثیر تحریم‌ها (۳۳/۶- درصد در سال ۱۳۹۷ و ۲۳٫۱- درصد در سال ۱۳۹۸) بوده است (دژ پسند، ۱۴۰۲، ص ۳۱۹). رشد مثبت ماشین‌آلات به میزان ۳٫۸ درصد در سال ۱۴۰۰ و همچنین رشد بخش ساختمان به میزان ۳٫۹ درصد باعث شده تا در مجموع رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در این سال مثبت و به عدد ۰٫۱ درصد برسد^۱، ولی در مجموع دوره برنامه ششم توسعه، وضعیت سرمایه‌گذاری در کشور بسیار نامطلوب بود، این امر دلایل گوناگونی دارد که بخشی از آن به وضعیت فضای کسب‌وکار بستگی دارد، اما دلیل مهم و اصلی دیگر به نحوه و میزان تأمین مالی مربوط می‌شود. در نمودار ۱ روند سالانه رشد سرمایه‌گذاری در دوره ۱۳۸۴-۱۴۰۲ نشان داده است.

۱. ارقام رشد تشکیل سرمایه ثابت از سال ۱۳۹۶-۱۳۹۹ بر اساس سال پایه ۱۳۹۰ محاسبه شده، اما با توجه به اینکه رقم متغیر مذکور برای سال ۱۴۰۰ بر پایه سال ۹۰ در دسترس نبوده، بنابراین برای سال ۱۴۰۰ از پایه ۱۳۹۵ استفاده شده است.



نمودار ۱. رشد سرمایه‌گذاری حقیقی (درصد)

ماخذ: گزارش‌ها و اطلاعات سری زمانی بانک مرکزی

تجارت خارجی

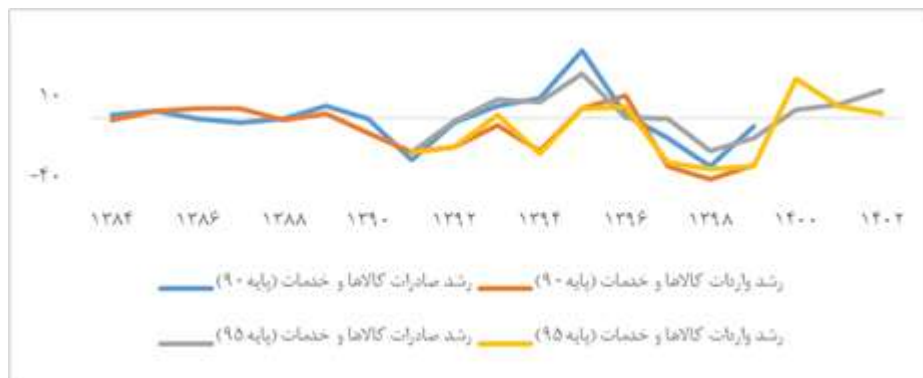
با توجه به اینکه افزایش صادرات یکی از عوامل اثرگذار بر تجارت خارجی است، در سند چشم‌انداز بیست‌ساله بر تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت، توسعه صادرات غیرنفتی، هم‌افزایی و گسترش فعالیت‌های اقتصادی در زمینه‌هایی با مزیت نسبی، تأکید شده است.

در برنامه چهارم توسعه برای پیگیری مختصات چشم‌انداز در حوزه بین‌الملل، رویکردهایی مانند نوسازی و روان‌سازی تجارت، افزایش سهم کشور در تجارت بین‌الملل، توسعه صادرات کالاهای غیرنفتی و خدمات، تقویت توان رقابتی محصولات صادراتی کشور در بازارهای بین‌المللی و گسترش کاربرد فناوری ارتباطات و اطلاعات در اقتصاد بازرگانی و تجارت، تجهیز مبادی و مجاری ورودی کشور (گمرک) به فناوری‌های جدید، هدفمندسازی و سامان‌دهی یارانه‌ها و جواز صادراتی، افزایش سرمایه صندوق ضمانت صادرات ایران، تأمین مابه‌التفاوت نرخ‌های اعتباری و گسترش پوشش بیمه‌ای در کشورهای هدف برای صادرات کالا و خدمات به‌ویژه خدمات فنی و مهندسی، ممنوعیت مالیات و عوارض برای صادرات کالاهای غیرنفتی و خدمات در طول برنامه، سامان‌دهی بازارچه‌ها و مبادلات مرزی، تدابیر و اقدامات مؤثر حفاظتی، جبرانی و ضد دامپینگ، تجهیز دستگاه‌ها و واحدهای مربوطه با رعایت استانداردها و چارچوب نظام بازرگانی و موردتوجه قرارداد، اصلاح قوانین گمرکی، تأکید بر گسترش تولید صادرات گرا بر اساس سیاست‌های بازرگانی کشور و مزیت‌های رقابتی و توسعه صنایع مبتنی بر منابع، بازنگری معافیت صادرات کالا و خدمات از اخذ هرگونه مجوز به‌استثنای استانداردهای اجباری و گواهی‌های مرسوم در تجارت بین‌الملل (مورد درخواست خریداران)، ایجاد توازن تجاری با کشورهای طرف همکاری و بلوک‌های اقتصادی و افزایش سهم صادرات غیرنفتی از کل صادرات کشور از ۱۶٫۴ درصد در سال ۱۳۸۲ به ۲۱ درصد در سال ۱۳۸۸ و حذف کلیه موانع غیرتعرفه‌ای و غیر فنی و وضع نرخ‌های معادل تعرفه‌ای با زمان‌بندی معین، که در قالب مواد ۴، ۳۳ و ۳۷ تصریح شده است (دژ پسند، ۱۴۰۲، ص ۲۰۶).

در دوره برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۹-۱۳۸۴)، صادرات کالاهای غیرنفتی به‌طور متوسط ۲۳٫۴ درصد رشد یافته است. همچنین صادرات کالاهای غیرنفتی به‌طور متوسط ۱۵٫۹۸ درصد کل صادرات کالا را تشکیل داده است.

اما در برنامه پنجم، تجارت خارجی در حدفاصل سال‌های ۱۳۹۰-۹۴ تحت تأثیر تحریم‌های بین‌المللی، افزایش نرخ ارز (در ابتدای دوره) و کاهش قیمت نفت بود. بر اساس اطلاعات آماری بانک مرکزی واردات کالا در سال‌های قبل از تشدید تحریم‌ها، به دلیل منابع بالای نفتی، در سال‌های ۸۸ تا ۹۱ به ترتیب ۶۹٫۲، ۷۵٫۴، ۷۸ و ۶۸٫۷ میلیارد دلار بود، همچنین صادرات غیرنفتی نیز در همان بازه زمانی به ترتیب ۱۸٫۴، ۲۲٫۶، ۲۶٫۷ و ۲۹٫۲ میلیارد دلار بوده است. با تشدید تحریم‌ها، دولت یازدهم با اتخاذ تدابیری همچون "تدوین بسته حمایت از صادرات غیرنفتی" توسعه روابط و مناسبات تجاری با کشورها و بنگاه‌های خارجی، احیای شورای عالی صادرات، حذف عوارض بر صادرات اقلام صنعتی، آزادسازی خریدوفروش ارز حاصل از صادرات به نرخ آزاد از سوی سیستم بانکی، خرید ارز حاصل از صادرات مصنوعات طلا به نرخ آزاد سعی کرد زمینه رشد صادرات غیرنفتی فراهم شود (دژ پسند، ۱۴۰۲، ص ۲۵۲ و ۲۵۳). بدین صورت که صادرات غیرنفتی در سال‌های ۱۳۹۳ الی ۱۳۹۵، باوجود تحریم‌ها، کاهش درآمد ارزی و نفتی کشور و همچنین تنگنای مالی بانک‌ها و غیره رشد قابل توجهی داشت و ثبات بازار ارز موجب شد تا درآمد صادرات غیرنفتی کشور به بالای ۳۱٫۱ میلیارد دلار در سال ۹۴ افزایش یابد.

در برنامه ششم با توجه به رویکردی که در زمینه تقویت برون‌گرایی اقتصاد و بهره‌مندی از فرصت‌های بین‌المللی وجود داشت، تجارت خارجی از اهمیت بیشتری برخوردار بود. به‌ویژه اینکه در زمان تدوین و تصویب برنامه، راجع به نتایج مذاکرات هسته‌ای تصویر روشنی شکل گرفته بود، بدین صورت انتظار می‌رفت در برنامه ششم توسعه تحول ویژه‌ای در این زمینه صورت گیرد، به همین دلیل دو بند از سیاست‌های کلی برنامه ششم به این مهم اختصاص یافت که در بند چهار آن به سه بند از سیاست‌های اقتصاد مقاومتی نیز ارجاع داده شد؛ و متعاقب آن در قانون برنامه ششم نیز احکامی منظور شد (دژ پسند، ۱۴۰۲، ص ۳۵۷). روند صادرات غیرنفتی و واردات کشور در دوره برنامه ششم بدین صورت بود که در سال ۱۳۹۶ صادرات غیرنفتی و واردات کشور هر دو از رشد ۱۶٫۴ درصدی برخوردار بودند، حتی در سال ۱۳۹۷ هم که تحریم مجدد شروع شده بود، صادرات غیرنفتی با رشدی برابر ۷٫۲ درصدی مواجه بود و فقط رشد واردات منفی ۱۶٫۲ درصد بود، ولی در سال ۱۳۹۸ اثر تحریم بر صادرات غیرنفتی هم مشخص شد و صادرات غیرنفتی و واردات به ترتیب با رشدی منفی برابر ۴٫۸ درصد و ۶٫۱ درصد مواجه شدند، یعنی کل تجارت خارجی از تحریم متأثر شد و متأسفانه با شیوع کرونا در اواخر سال ۱۳۹۸ و سال ۱۳۹۹، صادرات غیرنفتی و واردات آسیب بیشتری دیدند و به ترتیب با رشد منفی ۱۵٫۱ درصد و منفی ۱۹٫۸ درصد روبرو شدند، این روند بیانگر آسیب‌پذیری شدید تجارت خارجی ایران از عوامل پروند است. در نمودار ۲ روند رشد سالانه صادرات و واردات در سال‌های پس از ابلاغ چشم‌انداز تصویر شده است.



نمودار ۲. رشد صادرات و واردات کالاها و خدمات

ماخذ: گزارش‌ها و اطلاعات سری زمانی بانک مرکزی

رشد اقتصادی

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در تعیین هدف‌های کمی برنامه‌ها، به‌ویژه، پس از ابلاغ چشم‌انداز مبحث رشد اقتصادی است. در مطالعات گذشته نگرانی که برای برنامه‌ها صورت می‌گیرد ظرفیت تحقق برخی از هدف‌ها، مانند رشد اقتصادی، چه بسا بسیار پایین‌تر از هدف‌هایی است که در برنامه‌ها به تصویب می‌رسد، علت این امر، در این نکته نهفته است که انتظارات رهبران با ظرفیت‌ها فاصله دارد. در نتیجه، در دوره‌های برنامه‌های مختلف، رشد اقتصادی به‌عنوان حاصل تلاش همه فعالان اقتصادی و به‌عنوان اصلی‌ترین شاخص تبیین‌کننده قدرت و بنیه اقتصادی کشور، شرایط قابل قبولی نداشته و رشد کم و نوسانی آن همیشه نگران‌کننده بوده است.

همان‌طور که در بحث سرمایه‌گذاری عنوان شد، در دوره برنامه چهارم رشد سرمایه‌گذاری با نرخ رشد هدف‌گذاری شده فاصله داشت؛ بنابراین مهم‌ترین عامل رشد اقتصادی، متناسب با برنامه‌ریزی به عمل آمده محقق نشد، از طرفی موانع دیگری هم مانند تحریم و بی‌ثباتی در مسیر فعالیت‌های اقتصادی، نقش تعیین‌کننده‌ای بر نرخ رشد اقتصادی داشت، به‌گونه‌ای که نرخ رشد اقتصادی (بر اساس سال پایه ۱۳۹۰) سال‌های برنامه به ترتیب برابر با ۵٫۳۱، ۶٫۷، -۰٫۷۵، ۰٫۰۰۵، ۵٫۷ درصد طی سال‌های ۱۳۸۴ الی ۱۳۸۹ و در متوسط دوره (۱۳۸۴-۱۳۸۹) ۳٫۷ درصد بود، یعنی فاصله زیادی باهدف برنامه داشت.

در بازه برنامه پنجم نیز رشد اقتصادی، متأثر از چند رویداد مهم مانند؛ افزایش جهشی منابع حاصل از صدور نفت و گاز در ابتدای دوره، تحریم‌ها، اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و اعمال سیاست‌های اصلاح ساختار و انضباط مالی در دولت، برجام و تحولات مثبت در روابط بین‌الملل، بود. به دنبال تحولات مثبت بازار بین‌المللی نفت و دستیابی به منابع قابل توجه ارزی در سال ۱۳۹۰، رشد اقتصادی (بر اساس سال پایه ۱۳۹۰) آن سال ۳٫۱ درصد بود، ولی متأسفانه پس از اعمال تحریم شدید و پیچیده جدید، به دلیل عدم برنامه‌ریزی درست در استفاده از منابع فراوان ارزی سال ۱۳۹۰، اضافه شدن تحریم‌های مالی، افزایش هزینه‌های تولید و افزایش نا اطمینانی‌ها، موجبات کاهش تولید و همچنین خروج بخش قابل‌توجهی از سرمایه‌های کشور از فعالیت‌های مولد به سمت فعالیت‌های غیرمولد شده و متعاقب آن، اثرگذاری تحریم شدیدتر شده بود و در نتیجه رشد اقتصادی سال ۱۳۹۱ با کاهش چشمگیری مواجه شد، به‌گونه‌ای که رشد اقتصادی در سال‌های ۹۱ و ۹۲ (بر پایه سال ۱۳۹۰) به

ترتیب به ۷/۷- و ۰/۳۲- درصد کاهش یافت، درحالی‌که به نظر می‌رسید بهره‌مندی از منابع ارزی سال ۱۳۹۰ حاشیه امنی را برای اقتصاد در سال‌های ابتدایی تحریم جدید ایجاد کند، اما شدت تحریم و عدم برنامه‌ریزی درست در سال رونق نفتی، موجب شد آثار تحریم خیلی زود تأثیر بگذارد. پس از روی کار آمدن دولت یازدهم انتظار می‌رفت شرایط تغییر کند چنانچه با تصمیمات مهمی که دولت در زمینه صدور مصوبه مهم رونق سرمایه‌گذاری و رفع موانع تولید در ۱۷ شهریور ۱۳۹۲ و افزایش تخصیص اعتبار طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه در نیمه دوم سال ۱۳۹۲ اتخاذ کرده بود، در کنار فضای عمومی مثبتی که با اعلام جهت‌گیری‌های دولت، ایجاد شده بود، رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۳، ۳/۲ درصد (بر پایه سال ۱۳۹۰) افزایش یافت.

درواقع در سال ۱۳۹۳ در سایه ثبات نسبی ایجاد شده و نمایان شدن اثرات برخی از برنامه‌های اقتصادی دولت، مثل برقراری تعامل سازنده با کشورهای هدف، پیگیری مذاکرات برنامه‌های هسته‌ای کشور و اجرای برنامه‌های اقتصاد مقاومتی، شرایط رشد اقتصادی کشور نسبت به ۲ سال قبل از آن، با روند باثبات‌تر و آرام‌تری بهبود نسبی پیدا کرده (دژ پسند، ۱۴۰۲، ص ۲۴۰) و به رشد اقتصادی ۳/۲ درصدی دست یافت. ولی از آنجاکه اقتصاد کشور همچنان از تشدید تنگنایهای تجاری و مالی در فضای بین‌المللی، متأثر بود، شرایط سال ۱۳۹۳ از نظر رشد اقتصادی مثبت تداوم نداشت و از اواسط سال ۱۳۹۳، کاهش منابع نفتی دولت، تنگنای مالی، کاهش تقاضای داخلی و تشدید بحران‌های منطقه‌ای زمینه‌ساز رکود با ماهیت کمبود تقاضا و کاهش سطح فعالیت‌های اقتصادی از اواسط سال ۱۳۹۳ تا اواخر فصل پاییز ۱۳۹۴ شد، به همین دلیل، دولت برای خروج اقتصاد از رکود، سیاست‌های مختلفی را از آبان سال ۱۳۹۴، به‌ویژه در قالب قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور برای رفع تنگنای تأمین مالی بنگاه‌ها، تسویه بدهی‌ها، افزایش توان مالی پیمانکاران، کمبود تقاضای مؤثر، ثبات اقتصاد کلان، بهبود شرایط محیط کسب‌وکار و تقویت بخش واقعی اقتصاد به اجرا گذاشت. علاوه بر آن، در قالب بسته کوتاه‌مدت خروج از رکود نیز مجموعه‌ای از سیاست‌ها برای تحریک تقاضا و رفع تنگنای مالی اجرایی شد (دژ پسند، ۱۴۰۲، ص ۲۴۰).

برنامه ششم نیز در زمینه رشد اقتصادی شرایط بهتری نسبت به برنامه‌های قبلی نداشت، بدین‌صورت که بر اساس آمارهای بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، رشد اقتصادی سال‌های ۱۳۹۶ الی ۱۴۰۲ به ترتیب برابر ۳/۷، -۵/۴، -۶/۵، ۳/۶، ۴/۴، ۴ و ۱۴/۵ درصد بوده است. رشد اقتصادی سال‌های فوق، از گرفتار شدن اقتصاد کشور در تله رشد کم و پرنوسان حکایت دارد. از عوامل عدم تحقق هدف تعیین‌شده در برنامه می‌توان به مواردی از جمله: هدف‌گذاری بالا و آرمان‌گرایانه، تحمیل تحریم‌های ظالمانه به کشور، وقوع پدیده فراگیر ویروس کرونا، عدم اجرای اقدام‌های مورد نیاز رشد بهره‌وری، مناسب نبودن فضای کسب‌وکار، مناسب نبودن روابط بین‌الملل و امکان‌ناپذیری تأمین مالی خارجی، نظام تأمین مالی سنتی کشور و مانند آن اشاره کرد (دژ پسند، ۱۴۰۲، ص ۳۱۵)؛ اما در هر صورت با توجه به مشکلات عنوان‌شده، رشد مثبت و حدود ۴ درصدی سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ نیز فراوان و چشمگیر است.

در نمودار ۳ رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی در بین سال‌های ۱۴۰۲-۱۳۸۴ به صورت سالانه نمایش داده شده است.



۴- مدل مفهومی تحقیق (مکانیسم اثرگذاری متغیرها بر یکدیگر)

[illegible]

ماخذ: یافته‌های تحقیق

تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی

تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی به عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی در رشد اقتصادی، تأثیرات عمیقی بر اقتصاد دارد. در ادامه برخی از این اثرات مرور شده است. سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت مانند ماشین‌آلات، تجهیزات و زیرساخت‌ها، ظرفیت تولید کل اقتصاد را افزایش می‌دهد. این امر باعث می‌شود که حجم بیشتری از کالاها و خدمات تولید شوند که در نتیجه منجر به افزایش عرضه و کاهش قیمت‌ها می‌شود. سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین و مدرن سازی فرآیندهای تولید باعث افزایش بهره‌وری می‌شود که می‌تواند به کاهش هزینه‌های تولید و افزایش کیفیت محصولات منجر شود. همچنین، سرمایه‌گذاری در پروژه‌های جدید معمولاً نیاز به نیروی کار دارد که این امر منجر به ایجاد شغل‌های جدید (افزایش اشتغال) و کاهش نرخ بیکاری می‌شود. سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه (R&D) نیز می‌تواند منجر به نوآوری جدید شود که خود باعث افزایش رقابت‌پذیری خواهد شد؛ بنابراین، می‌توان بیان کرد سرمایه‌گذاری تأثیرات مثبتی بر قسمت‌های مختلف اقتصاد کشور دارد و به نوعی می‌تواند به عنوان یک موتور محرکه برای رشد اقتصادی و توسعه پایدار عمل می‌کند.

صادرات

افزایش صادرات می‌تواند تأثیرات مثبت زیادی بر رشد اقتصادی داشته باشد. در ادامه به چند مورد مهم در این راستا اشاره شده است. افزایش صادرات می‌تواند منجر سرمایه‌گذاری‌های جدید در زیرساخت‌ها و صنایع، ورود ارز خارجی به کشور و تقویت تراز پرداخت، کاهش کسری تجاری و بهبود وضعیت اقتصادی شود. همچنین، افزایش صادرات می‌تواند در راستای تقویت روابط اقتصادی و تجاری با کشورهای دیگر نیز مؤثر باشد. در نهایت می‌توان بیان کرد افزایش صادرات نیز می‌تواند به عنوان یک موتور محرکه برای رشد اقتصادی عمل کند.

واردات

واردات می‌تواند از طریق چندین کانال مختلف تأثیر منفی بر رشد اقتصادی کشور داشته باشد. در ادامه به برخی از این کانال‌ها اشاره می‌شود. واردات کالاها مشابه محصولات تولید داخلی می‌تواند باعث کاهش فروش و سود تولیدکنندگان داخلی شود و در نتیجه، تولید ملی را کاهش دهد. همچنین، در صورت تعطیلی یا ورشکستگی صنایع داخلی، منجر به کاهش اشتغال و افزایش بیکاری نیز خواهد شد. اگر واردات بیش از صادرات باشد، این موضوع می‌تواند به کسری تجاری منجر شود که به نوبه خود بر ارزش پول ملی و ثبات اقتصادی تأثیر منفی می‌گذارد. واردات زیاد منجر به خروج ارز از کشور خواهد شد و این موضوع می‌تواند به کاهش ذخایر ارزی و فشار بر نرخ ارز منجر شود. افزایش واردات ممکن است باعث شود که سرمایه‌گذاران داخلی نسبت به آینده بازار و تولید خود ناامید شوند و از سرمایه‌گذاری در صنایع داخلی خودداری کنند. به طور کلی موارد مذکور همگی موانعی در جهت رشد اقتصاد کشور می‌باشند.

مخارج دولتی (جاری و عمرانی)

عمدتاً موردی که بر رشد اقتصادی کشور اثرگذار است، مخارج عمرانی دولت است. دولت می‌تواند با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های حمل‌ونقل، انرژی، آب و فاضلاب و ارتباطات، محیطی مناسب برای رشد کسب‌وکارها و جذب سرمایه‌گذاری‌های خصوصی فراهم کند. در همین راستا، بهبود زیرساخت‌ها می‌تواند بهره‌وری را افزایش و هزینه‌های تولید را کاهش دهد. مخارج دولت در بخش‌های مختلف می‌تواند منجر به ایجاد مشاغل جدید نیز بشود که کاهش نرخ بیکاری را به دنبال دارد و در نتیجه می‌تواند تقاضای کل را تحریک کند. به‌طور کلی می‌توان بیان داشت مخارج دولت اگر به‌طور هدفمند انجام شود، می‌تواند نقش مهمی در تحریک رشد اقتصادی ایفا کند. البته لازم به ذکر است که این مخارج باید با برنامه‌ریزی دقیق و نظارت مناسب همراه باشد تا از هدر رفت منابع جلوگیری شود و اثرات مثبت آن بر اقتصاد پایدار باشد.

منابع نفتی

افزایش منابع حاصل از فروش نفت و فرآورده‌های نفتی برای کشوری مانند ایران که به آن وابسته نیز است، یکی از موارد مهم در جهت افزایش GDP است. در یک حالت، می‌توان بیان داشت منابع نفتی می‌توانند به دولت این امکان را بدهند که در پروژه‌های عمرانی و زیرساختی مانند حمل‌ونقل، انرژی، بهداشت و غیره سرمایه‌گذاری کند که در نهایت به رشد اقتصادی منجر می‌شود. از طرفی، با افزایش منابع نفتی، برخلاف منطق اصولی اگر دولت در شرایط خاصی از این منابع در راستای اعطای یارانه‌ها یا پرداختی‌های نقدی استفاده کند، باعث افزایش قدرت خرید مردم و در نتیجه تقاضای داخلی می‌شود که البته این مورد توصیه نمی‌شود. همچنین، دولت می‌تواند از منابع نفتی برای تأمین مالی پروژه‌های تحقیق و توسعه نیز استفاده کند که منجر به نوآوری، افزایش بهره‌وری و کاهش هزینه‌های تولید در صنایع مختلف می‌شود؛ بنابراین، می‌توان بیان داشت در کشوری مانند ایران که به شدت به نفت وابسته است، این منابع می‌تواند در جهت رشد آن اثرگذار باشد. البته لازم به ذکر است که این وابستگی بیش‌ازحد در طی سال‌های اخیر با توجه به اعمال تحریم‌های مختلف علیه کشور، اثرات مخربی بر جای گذاشته و در برخی از سال‌ها یکی از عوامل مهم کاهش و منفی شدن رشد اقتصاد کشور بوده است. همچنین، با افزایش منابع نفتی، سهمی که به صندوق توسعه تعلق می‌گیرد می‌تواند در راستای سرمایه‌گذاری صرف شود که از این طریق نیز بر تولید و رشد اقتصادی اثر مثبت دارد. در نهایت، با افزایش منابع مذکور در تأمین ارز واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای نیز سهولت ایجاد خواهد شد.

کرونا

یکی از مواردی که نه تنها بر اقتصاد ایران بلکه تأثیرات زیادی بر رشد اقتصادی در سطح جهان داشت، کووید ۱۹ بود. در ادامه کانال‌های اثرگذاری متغیر مذکور بر رشد اقتصاد ایران بررسی شده است. در دوران کرونا بسیاری از کسب‌وکارها به دلیل محدودیت‌ها مجبور به تعطیلی شدند که این امر منجر به افزایش نرخ بیکاری، کاهش درآمد خانوارها و در نهایت کاهش تقاضا و اثرگذاری منفی بر رشد اقتصادی شد. مورد دیگر تأثیرگذاری بر تجارت خارجی و به‌خصوص کاهش منابع

نفتی در کشور بود. با شیوع ویروس کرونا، تقاضا برای نفت در سطح جهانی به شدت کاهش یافت. قرنطینه‌ها و محدودیت‌های سفر باعث کاهش فعالیت‌های اقتصادی و مصرف سوخت شدند. این موضوع به‌ویژه بر صادرات نفت ایران تأثیر منفی گذاشت. از طرفی کاهش تقاضا منجر به افت شدید قیمت نفت در بازارهای جهانی شد. این کاهش قیمت برای ایران که به شدت به درآمدهای نفتی وابسته است، چالش‌های اقتصادی جدی ایجاد کرد. با کاهش صادرات نفت و افت قیمت‌ها، درآمدهای دولت به شدت تحت تأثیر قرار گرفت. این موضوع به کاهش بودجه برای پروژه‌های عمرانی و خدمات عمومی منجر شد. موارد مذکور عللی در جهت کاهش رشد اقتصادی بوده است. همچنین، کرونا بر روی رشد نقدینگی نیز اثرگذار بود. متغیر مذکور به دلایل مختلفی بر رشد نقدینگی دامن زده است. ازجمله؛ طبق گزارش دبیرخانه کارگروه اقتصادی کرونا (خرداد ۱۴۰۰) در سال ۱۳۹۹ حدود یک میلیارد دلار ارز از منابع صندوق توسعه برای ویروس مذکور اختصاص داده شد. از طرفی در همین سال دولت تصویب کرد بانک مرکزی به خانوارهای کشور وام ترجیحی یک میلیون تومانی با نرخ ۴ درصد اعطا کند، همچنین علاوه بر این، یک وام ۱۲ درصدی نیز به بنگاه‌ها اختصاص داده شده است؛ بنابراین، موارد ذکرشده در دوران کرونا دلیلی بر دامن زدن به افزایش و رشد نقدینگی بوده (دژ پسند و سالاری شهری، ۱۴۰۳) که این خود در راستای افزایش تورم و کاهش سرمایه‌گذاری‌ها و کاهش رشد اقتصادی بسیار اثرگذار است.

تورم

یکی از متغیرهای اثرگذار بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی در ایران، تورم است. تورم بالا باعث ایجاد عدم قطعیت و اعتماد در اقتصاد می‌شود. سرمایه‌گذاران ممکن است به دلیل اینکه افزایش قیمت‌ها بر هزینه‌های تولید و سودآوری تأثیر منفی بگذارد، از سرمایه‌گذاری در پروژه‌های جدید خودداری کنند. در یک حالت، ممکن است برای مقابله با تورم، بانک‌های مرکزی نرخ‌های بهره را افزایش دهند. این امر هزینه‌های تأمین مالی را افزایش می‌دهد که می‌تواند اثر منفی بر سرمایه‌گذاری داشته باشد. همچنین تورم باعث افزایش هزینه‌های تولید نیز می‌شود که در جهت کاهش سرمایه‌گذاری اثربخش است. مورد دیگر اینکه ممکن است دولت‌ها برای کنترل تورم، سیاست‌های مالی انقباضی مانند افزایش مالیات را اتخاذ کنند که این مورد نیز در راستای کاهش سرمایه‌گذاری اثر دارد. از طرفی تورم باعث کاهش قدرت خرید مصرف‌کنندگان می‌شود که درواقع تقاضا برای کالاها و خدمات را کاهش می‌دهد. به‌طورکلی، تورم می‌تواند از کانال‌های مختلف بر سرمایه‌گذاری و تولید اثرگذار باشد و کاهش رشد اقتصادی را نتیجه دهد.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

سرمایه‌گذاری خارجی سهم بسزایی در توسعه اقتصادی برای اقتصادهای درحال توسعه و اقتصادهای توسعه‌نیافته دارد (بشیر و همکاران، ۲۰۲۱). درواقع یکی از مواردی که تأثیرات زیادی بر تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی و رشد اقتصادی یک کشور دارد، FDI است. سرمایه‌گذاری خارجی به افزایش منابع مالی در کشور کمک می‌کند که می‌تواند به پروژه‌های زیرساختی و صنعتی تبدیل شود. از طرفی با ورود سرمایه‌گذاران خارجی، ظرفیت تولید صنایع افزایش می‌یابد

که به تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی کمک می‌کند. همچنین، سرمایه‌گذاری خارجی معمولاً به ایجاد شغل‌های جدید منجر می‌شود که خود باعث افزایش درآمد و تقاضا و درنهایت رشد تولید ناخالص داخلی در اقتصاد می‌شود.

تحریم‌ها

تحریم نیز یکی از مواردی است که در طی سالیان اخیر اثرات آن از طرق گوناگون بر کاهش رشد اقتصادی نمایان شده است. در ادامه به برخی از کانال‌های اثرگذاری آن در راستای کاهش رشد اقتصاد کشور اشاره شده است. به‌طور کلی تحریم‌ها به دو نوع تحریم تجاری و تحریم مالی تقسیم می‌شوند. تحریم‌های تجاری از یک طرف باعث کاهش صادرات و کاهش تولید می‌شود که کاهش درآمدهای حاصل از صادرات کالاها و خدمات علاوه بر آن که مانع رشد اقتصادی می‌شود، منجر به تشدید کسری بودجه دولت شده که درنهایت دولت مجبور است به طریقی این کسری را جبران کند که برخی از روش‌های جبران کسری مذکور می‌تواند بر روی نقدینگی اثر افزایشی داشته باشد و درنهایت اثرات تورمی به بار آورد که از این طریق نیز سرمایه‌گذاری و رشد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از طرف دیگر اعمال تحریم بر یک کشور در واردات آن کشور نیز اثرات کاهشی و مخرب خواهد داشت. کاهش واردات و عرضه کالاها در بازارهای داخلی منجر به افزایش مازاد تقاضا شده که در راستای افزایش قیمت‌ها و کاهش رشد اقتصادی اثرگذار است. دسته دیگر تحریم، تحریم‌های مالی است که تحریم بانک‌ها و بانک مرکزی از این دسته است. این تحریم‌ها با اختلال در نقل و انتقال ارز منجر به افزایش قیمت ارز در بازار آزاد می‌شود که این افزایش منجر به تغییر در تعهدات ارزی بانک‌ها و نیاز به سرمایه در گردش بیشتر می‌شود. بدین ترتیب میزان بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی افزایش می‌یابد (سادات‌اخوی و حسینی، ۱۳۹۶) که باعث افزایش پایه پولی، افزایش نقدینگی و درنهایت رشد تورم می‌شود (دژ پسند و سالاری شهری، ۱۴۰۳). افزایش قیمت در راستای کاهش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی اثرگذار است. از طرفی افزایش نرخ ارز هزینه‌های تولید را نیز افزایش می‌دهد و از طریق فشار هزینه تولید نیز بر روی تورم اثر افزایشی و بر روی سرمایه‌گذاری اثر کاهشی دارد. همچنین اختلال در نقل و انتقال ارز باعث می‌شود در ورود منابع ارزی به داخل کشور مشکلاتی ایجاد شود. این موضوع باعث افزایش خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی می‌شود. به‌عنوان مثال وقتی کشور با شرایط تحریمی مواجه است، منابع ارزی حاصل از فروش نفت و کالاهای دیگر بلوکه شده و در این حالت خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی افزایش می‌یابد و بانک مرکزی به پشته‌خانه آن ارز بلوکه شده، در داخل کشور پول چاپ می‌کند که درنهایت از طریق افزایش پایه پولی و نقدینگی، منجر به افزایش تورم، کاهش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی می‌شود (دژ پسند و سالاری شهری، ۱۴۰۳).

نرخ ارز

یکی دیگر از متغیرهای اثرگذار بر کاهش رشد اقتصادی، نرخ ارز است. تغییرات و افزایش نرخ ارز می‌تواند از طریق کانال‌های مختلفی تأثیرات منفی بر اقتصاد ایران داشته باشد. از یک جهت بسیاری از مواد اولیه و تجهیزات مورد نیاز برای تولید کالاها در کشور وارداتی هستند. از این رو، افزایش نرخ ارز باعث افزایش هزینه‌های واردات این مواد می‌شود و

در نتیجه، هزینه تولید کالاها نیز افزایش می‌یابد. با افزایش هزینه تولید، قیمت نهایی کالاهای صادراتی نیز بالا می‌رود که این موضوع می‌تواند موجب کاهش رقابت‌پذیری کالاهای ایرانی در بازارهای بین‌المللی شود و خریداران خارجی ممکن است به سمت محصولات کشورهای دیگر با قیمت‌های پایین‌تر روی آورند. همچنین، افزایش نرخ ارز ممکن است به کاهش قدرت خرید خریداران خارجی نیز منجر شود؛ بنابراین، وقتی قیمت کالاهای ایرانی به دلیل افزایش نرخ ارز بالا می‌رود، تقاضا برای این کالاها کاهش می‌یابد. از طرف دیگر، عدم پیش‌بینی‌پذیری ناشی از تغییرات ارزی می‌تواند موجب کاهش تمایل به سرمایه‌گذاری‌های جدید در کشور شود. در نهایت، افزایش نرخ ارز ممکن است به تغییر در روابط تجاری با شرکای خارجی منجر شود، زیرا ممکن است برخی از شرکا به دلیل قیمت‌های بالاتر از خرید کالاهای ایرانی منصرف شوند. به طور کلی، با توجه به موارد مذکور تغییرات شدید نرخ ارز که در سال‌های گذشته در ایران به شدت زیاد بوده، می‌تواند یک عامل مؤثر در جهت کاهش رشد اقتصاد کشور باشد.

رشد اقتصادی طرف‌های تجاری (کشور چین)

با توجه به اینکه چین یکی از بزرگ‌ترین واردکنندگان نفت در جهان بوده و از طرفی عمده صادرات نفتی ما به این کشور در شرایط تحریم است، با افزایش رشد اقتصادی چین، تقاضای بیشتری برای نفت به وجود می‌آید. این امر می‌تواند به افزایش صادرات نفت ایران، افزایش منابع نفتی، افزایش درآمدهای ارزی و در نتیجه رشد GDP ایران کمک کند.

۵- مبانی مدل و روش تحقیق

در این قسمت ابتدا بر اساس بحث‌های مبانی نظری، مطالعات انجام‌شده، بخش بررسی تحولات متغیرهای کلان اقتصاد ایران، مدل مفهومی و در نهایت بر اساس تجربیات نویسندگان الگوی کلان تحقیق ارائه و معرفی متغیرهای مدل صورت گرفته است. سپس، با توجه به اینکه روش تخمین معادلات این تحقیق، روش ۲SLS در چهارچوب سیستم معادلات هم‌زمان است، لازم به ذکر است، در این پژوهش مبانی مربوط به روش حداقل مربعات دومرحله‌ای و دوره زمانی تحقیق مربوط به سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۲ و با تواتر فصلی است.

الگوی کلان تحقیق

سه معادله برای دستیابی به هدف تحقیق در نظر گرفته شده است. رابطه ۱، معادله تولید ناخالص داخلی حقیقی، رابطه ۲، معادله تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی حقیقی و رابطه ۳، معادله صادرات است.

$$\text{LOG}(\text{GDP}) = C1 + C2 * \text{LOG}(\text{GDP}(-1)) + C3 * \text{LOG}(\text{I}) + C4 * \text{LOG}(\text{G}) + C5 * \text{LOG}(\text{EX}) + C6 * \text{LOG}(\text{IM}) + C7 * \text{OILRG} + C8 * \text{DCOVID} \quad (1)$$

$$\text{LOG}(\text{I}) = C9 + C10 * \text{LOG}(\text{GDP}) + C11 * \text{LOG}(\text{CPI}) + C12 * \text{LOG}(\text{FDI}) + C13 * \text{DS1} + C14 * \text{DS2} \quad (2)$$

$$\text{LOG}(\text{EX}) = C15 + C16 * \text{LOG}(\text{ER}) + C17 * \text{LOG}(\text{GDP}) + C18 * \text{DS1} + C19 * \text{DS2} + C20 * \text{LOG}(\text{GDP}_{\text{China}}) \quad (3)$$

معرفی متغیرها

$LOG(GDP)$: لگاریتم تولید ناخالص داخلی حقیقی (پایه ۱۳۹۵)

$LOG(I)$: لگاریتم تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی حقیقی (پایه ۱۳۹۵)

$LOG(CPI)$: لگاریتم شاخص قیمت مصرف کننده

$LOG(G)$: لگاریتم کل مخارج دولتی

$LOG(EX)$: لگاریتم صادرات کالاها و خدمات

$LOG(IM)$: لگاریتم واردات کالاها و خدمات

$LOG(OILRG)$: لگاریتم رشد منابع نفتی

$DCOVID$: متغیر مجازی کرونا در مقطع زمانی فصل اول ۱۳۹۹ تا فصل دوم ۱۴۰۱

$DS1$: متغیر مجازی تحریم در مقطع زمانی ۱۳۹۱-۱۳۹۴

$DS2$: متغیر مجازی تحریم در مقطع زمانی ۱۳۹۷-۱۴۰۰

$LOG(FDI)$: لگاریتم سرمایه گذاری مستقیم خارجی (آمار سالانه این متغیر به روش دنتون^۱ فصل شده است)

$LOG(ER)$: لگاریتم نرخ ارز بازار آزاد

$LOG(GDP_{China})$: لگاریتم تولید ناخالص داخلی کشور چین

آمار متغیرهای ارائه شده در تحقیق حاضر از بانک اطلاعات سری زمانی سایت بانک مرکزی، وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک جهانی تهیه شده است. همچنین، به دلیل عدم دسترسی به اطلاعات فصلی، آمار سالانه متغیر سرمایه گذاری مستقیم خارجی به روش دنتون فصلی شده است. این روش که توسط دی فونزو و مارینی^۲ (۲۰۱۲) در صندوق بین المللی پول توسعه یافته، با استفاده از روش حداقل مربعات، تفاوت در تعدیل نسبی فصل های نزدیک را نسبت به قید کلی سالانه حداقل می کند، به این ترتیب تغییرات در سری های فصلی بهترین شکل حفظ می شود (خوش مو و همکاران، ۱۴۰۰)

روش حداقل مربعات دومرحله ای (2SLS)

زمانی که هریک از معادلات در یک سیستم بیش از حد مشخص باشد، می توان از روش حداقل مربعات دومرحله ای استفاده کرد. برای سادگی فهم سیستم معادلات رابطه ۴ را در نظر بگیرید:

$$Y_{1t} = \alpha_0 + \alpha_1 Y_{2t} + \alpha_2 X_{1t} + \alpha_3 X_{2t} + U_{1t} \quad (۴)$$

$$Y_{2t} = \beta_0 + \beta_1 Y_{1t} + \beta_2 X_{3t} + \beta_3 X_{4t} + U_{1t}$$

برای شناسایی "دقیقاً مشخص" یا "بیش از حد مشخص" بودن هر معادله، مفاهیم زیر را در نظر بگیرید:

1. Denton

2. Di Fonzo & Marini

M: تعداد متغیرهای درون‌زای مدل

m: تعداد متغیرهای درون‌زا در معادله تحت بررسی

K: تعداد متغیرهای از پیش تعیین شده مدل

k: تعداد متغیرهای از پیش تعیین شده در معادله تحت بررسی

اگر $K - k = m - 1$ باشد، آنگاه معادله مورد بررسی دقیقاً مشخص بوده و اگر $K - k > m - 1$ باشد آنگاه معادله تحت بررسی بیش از حد مشخص است (گجراتی، ۱۳۷۸، جلد دوم، ص ۸۵۳). بنابراین، در سیستم معادلات بالا هر دو معادله بیش از حد مشخص هستند.

فرم حل شده سیستم معادلات بالا به صورت رابطه ۵ است:

$$Y_{1t} = \pi_0 + \pi_1 X_{1t} + \pi_2 X_{2t} + \pi_3 X_{3t} + \pi_4 X_{4t} + V_{1t} \quad (۵)$$

$$Y_{2t} = \pi_5 + \pi_6 X_{1t} + \pi_7 X_{2t} + \pi_8 X_{3t} + \pi_9 X_{4t} + V_{2t}$$

در این حالت اگر از روش ILS استفاده شود، برای هر یک از معادلات بیش از یک جواب به دست می‌آید؛ بنابراین برای حل این مشکل از روش ۲SLS استفاده می‌شود.

در روش ۲SLS ابتدا معادلات فرم حل شده با روش OLS برآورد شده که $\hat{\pi}_i$ ها به دست می‌آیند، سپس روابط زیر را می‌نویسیم:

$$Y_{1t} = \hat{Y}_{1t} + \hat{V}_{1t} \quad (۶)$$

$$Y_{2t} = \hat{Y}_{2t} + \hat{V}_{2t} \quad (۷)$$

در سیستم معادلات ساختاری در سمت چپ به جای Y_{1t} و Y_{2t} عبارات زیر قرار داده می‌شود:

$$Y_{1t} = \alpha_0 + \alpha_1(\hat{Y}_{2t} + \hat{V}_{2t}) + \alpha_2 X_{1t} + \alpha_3 X_{2t} + U_{1t} \quad (۸)$$

$$Y_{2t} = \beta_0 + \beta_1(\hat{Y}_{1t} + \hat{V}_{1t}) + \beta_2 X_{3t} + \beta_3 X_{4t} + U_{2t} \quad (۹)$$

با ساده کردن عبارات بالا، روابط ۱۰ و ۱۱ به دست می‌آیند:

$$Y_{1t} = \alpha_0 + \alpha_1 \hat{Y}_{2t} + \alpha_2 X_{1t} + \alpha_3 X_{2t} + \varepsilon_{1t} \quad \varepsilon_{1t} = U_{1t} + \alpha_1 \hat{V}_{2t} \quad (۱۰)$$

$$Y_{2t} = \beta_0 + \beta_1 \hat{Y}_{1t} + \beta_2 X_{3t} + \beta_3 X_{4t} + \varepsilon_{2t} \quad \varepsilon_{2t} = U_{2t} + \beta_1 \hat{V}_{1t}$$

$$Y_{2t} = \beta_0 + \beta_1 \hat{Y}_{1t} + \beta_2 X_{3t} + \beta_3 X_{4t} + \varepsilon_{2t} \quad \varepsilon_{1t} = U_{2t} + \beta_1 \hat{V}_{1t} \quad (۱۱)$$

در واقع روش فوق، روش حداقل مربعات دومرحله‌ای است که در آن، دو بار از روش OLS استفاده می‌شود (سوری، ۱۴۰۰، جلد دوم، ص ۷۳۱ و ۷۳۲).

۶- یافته‌های تحقیق

در این قسمت نتایج آزمون هگی^۱ برای بررسی پایایی متغیرهای فصلی، نتایج آزمون جوهانسن^۲ برای بررسی هم‌انباشتگی و نتایج برآورد مدل نشان داده شده است.

نتایج آزمون هگی برای بررسی پایایی متغیرها

قبل از برآورد هر سری زمانی باید پایایی متغیرها مورد بررسی قرار گیرد. از آنجاکه در مطالعه حاضر داده‌ها به صورت فصلی است، از آزمون هگی برای بررسی وجود یا عدم وجود ریشه واحد فصلی متغیرها استفاده شده است. برای بررسی متغیرهای ماهانه و فصلی آزمون ریشه واحد دیکی فولر ممکن است باعث بروز خطا شود، بنابراین هایلبرگ^۳ و همکارانش در سال ۱۹۹۰ برای رفع این مشکل آزمونی به نام هگی را مطرح کرده که در آن امکان آزمون پایایی در دوره‌های زمانی فصلی، شش ماهه و یک ساله وجود دارد (طیپی و همکاران، ۱۳۹۴). با استفاده از آزمون مذکور ریشه‌های فصلی هر متغیر شناسایی و نتایج در جدول (۱) نشان داده شده است. لازم به ذکر است که در شناسایی متغیر پایا از مطالعه یزدانی و پیرپور (۱۳۹۵)، دژ پسند و همکاران (۱۴۰۳) و دژ پسند و سالاری شهری (۱۴۰۳) استفاده شده است.

جدول ۱. نتایج آزمون هگی

متغیر	ریشه کلی (π_1)	ریشه شش ماهه (π_2)	ریشه‌های سالانه (π_3 و π_4)	متغیر پایا
لگاریتم تولید ناخالص داخلی	با عرض از مبدأ	-۲/۰۹	-۰/۷۶	۰/۱۳
	کمیت بحرانی ۵ درصد	-۲/۷۹	-۱/۹۲	۷/۹۸
	بررسی وجود ریشه‌ها	وجود دارد	وجود دارد	وجود دارد
لگاریتم تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی	با عرض از مبدأ و روند	-۱/۴۱	-۰/۴۳	۱/۳۲
	کمیت بحرانی ۵ درصد	-۳/۲۹	-۱/۹۲	۷/۹۵
	بررسی وجود ریشه‌ها	وجود دارد	وجود دارد	وجود دارد
لگاریتم مخارج دولتی	با عرض از مبدأ و روند	-۱/۵۸	-۰/۳	۰/۲۱
	کمیت بحرانی ۵ درصد	-۳/۲۸	-۱/۹۲	۷/۹۹
	بررسی وجود ریشه‌ها	وجود دارد	وجود دارد	وجود دارد
لگاریتم صادرات کالاها و خدمات	با عرض از مبدأ	-۲/۳۷	-۴/۰۶	۱۵/۹۷
	کمیت بحرانی ۵ درصد	-۲/۸	-۱/۹۲	۷/۹۳
	بررسی وجود ریشه‌ها	وجود دارد	وجود ندارد	وجود ندارد

1. Hegy
2. Johansen
3. Hylleberge

متغیر	ریشه کلی (π_1)	ریشه شش ماهه (π_2)	ریشه‌های سالانه (π_3 و π_4)	متغیر پایا
لگاریتم واردات کالاها و خدمات	با عرض از مبدأ و روند	-۲/۱۴	-۲/۷۲	۱۶/۷۰
	کمیت بحرانی ۵ درصد	-۳/۲۹	-۱/۹۱	۷/۹۲
	بررسی وجود ریشه‌ها	وجود دارد	وجود ندارد	وجود ندارد
رشد منابع نفتی	بدون عرض از مبدأ و روند	-۱/۶۷	-۲/۴۳	۱۰۸/۷۹
	کمیت بحرانی ۵ درصد	-۱/۹۲	-۱/۹۲	۷/۹۳
	بررسی وجود ریشه‌ها	وجود دارد	وجود ندارد	وجود ندارد
لگاریتم تغییرات نرخ ارز بازار آزاد	با عرض از مبدأ و روند	-۱/۶	-۶/۳۲	۲۲/۳۸
	کمیت بحرانی ۵ درصد	-۳/۲۹	-۱/۹۱	۷/۹۳
	بررسی وجود ریشه‌ها	وجود دارد	وجود ندارد	وجود ندارد
لگاریتم شاخص قیمت مصرف‌کننده	بدون عرض از مبدأ و روند	-۱/۶	-۳/۶۵	۱۸/۴
	کمیت بحرانی ۵ درصد	-۱/۹۲	-۱/۹۲	۷/۹۵
	بررسی وجود ریشه‌ها	وجود دارد	وجود ندارد	وجود ندارد
لگاریتم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	با عرض از مبدأ و روند	-۲/۸۱	-۱/۶	۳/۵۶
	کمیت بحرانی ۵ درصد	-۳/۲۹	-۱/۹۲	۷/۹۶
	بررسی وجود ریشه‌ها	وجود دارد	وجود دارد	وجود دارد
لگاریتم تولید ناخالص داخلی چین	بدون عرض از مبدأ و روند	-۰/۹۸	-۸/۵۹	۶۹/۴۳
	کمیت بحرانی ۵ درصد	-۱/۹۲	-۱/۹۲	۷/۹۶
	بررسی وجود ریشه‌ها	وجود دارد	وجود ندارد	وجود ندارد

ماخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج آزمون جوهانسن برای بررسی هم‌انباشتگی

پس از بررسی پایایی متغیرها لازم است به دلیل اطمینان از عدم وجود یک رگرسیون کاذب و همچنین بررسی رابطه بلندمدت میان متغیرهای هر معادله، آزمون هم‌انباشتگی انجام شود.

در این قسمت برای بررسی وجود هم‌انباشتگی، از آزمون جوهانسن استفاده شده است. در آزمون مذکور برای تعیین تعداد وقفه‌های بهینه از الگوی var استفاده می‌شود و سپس بر اساس دور آماره اثر^۱ و آماره حداکثر مقدار ویژه^۲ تحلیل

1. Trace
2. Max-eigenvalue

صورت می‌گیرد. تحلیل آزمون جوهانسن بر اساس آماره اثر بدین ترتیب است که اگر مقدار آماره اثر بزرگ‌تر از کمیت بحرانی ۵٪ باشد، فرضیه صفر رد شده و فرضیه یک پذیرفته می‌شود. نتایج بررسی آزمون هم‌انباشتگی جوهانسن بر اساس آماره اثر در جدول (۲) نشان داده شده است.

جدول ۲. نتایج آزمون جوهانسن

آزمون هم‌انباشتگی مبتنی بر آماره اثر برای معادله تولید ناخالص داخلی			
Prob	کمیت بحرانی ۵٪	آماره اثر	
۰/۰۰۰۰	۱۲۵/۶	۳۰۰/۵	None
۰/۰۰۰۰	۹۵/۷	۱۹۸/۴	At most 1
۰/۰۰۰۰	۶۹/۸	۱۱۳/۵	At most 2
۰/۰۰۲۲	۴۷/۸	۶۰/۴	At most 3
۰/۰۰۱۷	۲۹/۷	۴۱/۱	At most 4
۰/۰۰۳۵	۱۵/۴	۲۲/۷	At most 5
۰/۰۰۷۹	۳/۸	۷/۱	At most 6
آزمون هم‌انباشتگی مبتنی بر آماره اثر برای معادله تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی			
Prob	کمیت بحرانی ۵٪	آماره اثر	
۰/۰۰۰۰	۹۵/۷	۲۲۷/۱	None
۰/۰۰۰۰	۶۹/۸	۱۳۷/۸	At most 1
۰/۰۰۰۰	۴۷/۸	۷۸/۶	At most 2
۰/۰۰۳۶۱	۲۹/۷	۳۱/۰	At most 3
آزمون هم‌انباشتگی مبتنی بر آماره اثر برای معادله صادرات			
Prob	کمیت بحرانی ۵٪	آماره اثر	
۰/۰۰۰۰	۱۵۹/۵	۷۵۴/۲	None
۰/۰۰۰۰	۱۲۵/۶	۴۷۰/۸	At most 1
۰/۰۰۰۰	۹۵/۷	۲۷۹/۸	At most 2
۰/۰۰۰۰	۶۹/۸	۱۴۷/۸	At most 3
۰/۰۰۰۰	۴۷/۸	۱۱۵/۵	At most 4
۰/۰۰۰۰	۲۹/۷	۶۵/۵	At most 5
۰/۰۰۳۷	۱۵/۴	۲۲/۵	At most 6

ماخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج آزمون جوهانسن حاکی از وجود هم‌انباشتگی و رابطه بلندمدت میان متغیرهای هر معادله است، درواقع با ملاحظه نتایج، از عدم وجود یک رگرسیون کاذب اطمینان حاصل می‌شود.

نتایج برآورد مدل

پیش از تخمین مدل، با توجه به توضیحات داده شده در قسمت روش ۲SLS، نسبت به انجام آزمون شناسایی مربوط به هر معادله بر اساس شرط درجه‌ای اقدام شده است:

در معادله اول؛ $7 - 3 > 3 - 1$ ، در معادله دوم؛ $7 - 3 > 2 - 1$ و در معادله سوم؛ $7 - 3 > 2 - 1$ است، بنابراین $K - k > m - 1$ بوده و هر سه معادله بیش از حد مشخص می‌باشند، و بنابراین می‌توان مدل را با استفاده از روش ۲SLS برآورد کرد.

نتایج تخمین پارامترهای مدل، در روابط ۱۲، ۱۳ و ۱۴ نشان داده شده است.

$$\begin{aligned} \text{LOG}(\text{GDP}) = & 0/409128 + 0/702306 * \text{LOG}(\text{GDP}(1)) + 0/279950 * \text{LOG}(\text{I}) + 0/090889 * \text{LOG}(\text{G}) + 0/129174 * \text{LOG}(\text{EX}) - \\ & (0/405) \quad (7/210) \quad (2/965) \quad (2/678) \quad (2/380) \\ & 0/119069 * \text{LOG}(\text{IM}) + 0/007028 * \text{OILRG} - 0/062266 * \text{DCOVID} \\ & (-1/755) \quad (2/031) \quad (-2/148) \end{aligned} \quad (12)$$

$$R^2 = 0/994, \quad \bar{R}^2 = 0/994$$

$$\begin{aligned} \text{LOG}(\text{I}) = & -15/954 + 1/0821 * \text{LOG}(\text{GDP}) - 1/1149 * \text{LOG}(\text{CPI}) + 0/1238 * \text{LOG}(\text{FDI}) - 0/1481 * \text{DS1} - 0/3245 * \text{DS2} \\ & (-40/607) \quad (2/351) \quad (-4/994) \quad (4/027) \quad (-2/569) \quad (-5/075) \\ \\ R^2 = & 0/977, \quad \bar{R}^2 = 0/975 \end{aligned} \quad (13)$$

$$\begin{aligned} \text{LOG}(\text{EX}) = & 9/343 - 0/0979 * \text{LOG}(\text{ER}) + 0/187 * \text{LOG}(\text{GDP}) - 0/180 * \text{DS1} - 0/269 * \text{DS2} + 0/031 * \text{LOG}(\text{GDP}_{\text{CHINA}}) \\ & (7/328) \quad (-2/156) \quad (1/853) \quad (-2/403) \quad (-3/524) \quad (3/024) \end{aligned} \quad (14)$$

$$R^2 = 0/917, \quad \bar{R}^2 = 0/910$$

رابطه ۱۳ بیانگر معادله تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی حقیقی است. بر اساس این معادله در طی دوره موردبررسی، متغیرهای لگاریتم تولید ناخالص داخلی حقیقی و لگاریتم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثر مثبت بر لگاریتم سرمایه‌گذاری حقیقی ایران داشته‌اند. نتیجه حاضر با مطالعات آدیس یمر (۲۰۲۳) و عزیز ازمی (۲۰۱۷) همخوانی دارد و از طرف دیگر با مطالعه شبیر و همکاران (۲۰۲۱) در تضاد است. بنابراین، نتایج تخمین این معادله نشان می‌دهد لگاریتم شاخص قیمت مصرف‌کننده رابطه منفی با لگاریتم سرمایه‌گذاری حقیقی داشته و یک عامل مهم در جهت کاهش سرمایه‌گذاری است. مطالعات عزیز ازمی (۲۰۱۷)، اعظم و سالم خان (۲۰۲۰) و اولامید و همکاران (۲۰۲۲) این موضوع را تأیید می‌کنند، اما ایجازالدین و خلیل الرحمن (۲۰۲۲) در تضاد با آن است. همچنین، تحریم‌های دو مقطع زمانی ۱۳۹۴-۱۳۹۱ و ۱۴۰۰-۱۳۹۷ به صورت متغیر مجازی وارد مدل شد که نشان می‌دهد تحریم‌ها در هر دو مقطع مذکور رابطه منفی با سرمایه‌گذاری داشته‌اند و به نوعی منجر به کاهش سرمایه‌گذاری شده‌اند. در این بین اثر تحریم‌های مقطع ۱۴۰۰-۱۳۹۷ با ضریب ۰/۳۲- بیشتر از تأثیر تحریم‌های ۱۳۹۴-۱۳۹۱ با ضریب ۰/۱۴- بر کاهش سرمایه‌گذاری بوده است. رابطه ۱۴

نشان دهنده معادله صادرات است. بر اساس این معادله متغیرهای لگاریتم تولید ناخالص داخلی حقیقی و لگاریتم تولید ناخالص داخلی کشور چین رابطه مثبتی با لگاریتم صادرات داشته‌اند. درواقع افزایش دو متغیر مذکور باعث افزایش صادرات کشور ایران شده است. از طرفی لگاریتم نرخ ارز بازار آزاد با ضریب -0.09 - رابطه منفی با لگاریتم صادرات داشته است که نشان می‌دهد بر اساس بحث‌های مدل مفهومی، جهش‌های بیش‌ازحد نرخ ارز یک عامل در جهت کاهش صادرات بوده است. نتیجه فوق با مطالعات اولامید و همکاران (۲۰۲۲) و فرجی تبریزی (۱۴۰۰) در یک راستا است. همچنین، در این معادله تأثیر تحریم‌های دو مقطع $1391-1394$ و $1400-1397$ به صورت متغیر مجازی بر صادرات بررسی شد. نتایج نشان می‌دهد که تحریم‌های هر دو مقطع رابطه منفی با صادرات داشته و درواقع یک عامل در جهت کاهش صادرات ایران بوده است. در بین دو مقطع تحریمی، تحریم $1397-1400$ که شدت آن بیشتر نیز بود، با ضریب -0.26 - تأثیر بیشتری بر کاهش صادرات نسبت به تحریم‌های $1391-1394$ با ضریب -0.18 - داشته است. رابطه 12 نتیجه معادله تولید ناخالص داخلی حقیقی را نشان می‌دهد. نتیجه این معادله نشان داد همان‌طور که در بحث‌های مدل مفهومی نیز عنوان شد، متغیرهای تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی حقیقی با ضریب 0.27 و صادرات با ضریب 0.12 رابطه مثبت و معناداری با لگاریتم تولید ناخالص داخلی حقیقی دارند؛ بنابراین، تمامی متغیرهایی که پیش‌تر بیان شد و بر کاهش یا افزایش سرمایه‌گذاری و صادرات اثرگذار بودند، از طریق این دو متغیر بر کاهش یا افزایش رشد اقتصادی ایران تأثیر دارند. نتایج فوق با مطالعات الکس روبن (۲۰۱۳) و شبیر و همکاران (۲۰۲۱) مطابقت دارد. علاوه بر سرمایه‌گذاری و صادرات، رشد اقتصادی دوره قبل با ضریب 0.7 ، لگاریتم مخارج دولتی با ضریب 0.09 و رشد منابع ناشی از فروش نفت و فرآورده‌های نفتی نیز با ضریب 0.07 رابطه مثبت و معناداری با لگاریتم تولید ناخالص داخلی حقیقی داشته‌اند و به نوعی هرکدام نقشی در افزایش رشد اقتصاد ایران ایفا کرده‌اند. نتیجه حاصل از اثر مخارج دولتی بر تولید ناخالص داخلی با پژوهش‌های باباتاننده (۲۰۱۸)، چاندانا و همکاران (۲۰۲۱) و فرجی تبریزی (۱۴۰۰) مطابقت دارد و با نتیجه تحقیق استادی (۱۳۹۵) در تضاد است. همچنین، نتیجه به دست آمده از اثرگذاری منابع نفتی بر تولید ناخالص داخلی با مطالعه مهر آرا و رضایی برگشادی (۱۳۹۴) در یک راستا است. از طرفی، لگاریتم واردات با ضریب -0.11 - رابطه منفی با لگاریتم تولید ناخالص داخلی داشته و به نوعی در جهت کاهش رشد اقتصادی عمل کرده است. این نتیجه با مطالعه رضایی برگشادی (۱۳۹۴) در تضاد است. درنهایت، ویروس کرونا که از اواخر سال ۱۳۹۸ سراسر جهان و ایران را درگیر کرد، برای مشخص شدن اثر آن بر رشد اقتصادی ایران، به صورت متغیر مجازی وارد مدل شد. همان‌طور که در بحث‌های مدل مفهومی نیز بیان شد، در مدل نیز رابطه بین کرونا و رشد اقتصادی منفی بوده و در دوره مذکور این بیماری یک مانع در جهت رشد اقتصاد ایران بوده است.

۷- نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها سیاستی

سند چشم‌انداز بیست‌ساله در سال ۱۳۸۲ به عنوان یک سند بالادستی و نقشه راه سیاست‌گذاری‌های کشور برای دوره ۱۴۰۴-۱۳۸۴ ابلاغ شد. از آن زمان تاکنون در ذیل این سند، چهار برنامه توسعه تهیه، تدوین و سه برنامه اجرایی شده

است؛ اما بررسی تحقیقات مختلف نشان از آن دارد که هرچند سند چشم‌انداز به نوبه خود یک اقدام مهم برای پیشرفت کشور بود، اما با توجه به اینکه در طول سال‌های ۱۴۰۲-۱۳۸۴ ایران با مشکلات و چالش‌های مختلفی روبرو شد، می‌توان بیان داشت در عمل اهدافی که در برنامه‌های توسعه در زمینه رشد اقتصادی برای تحقق چشم‌انداز تعیین شده بودند با موفقیت قرین نبود و با توجه به اینکه تقریباً تنها حدود یک سال و نیم از آن باقی‌مانده دیگر انتظار چندانی برای رسیدن به موفقیت برای آن تصور نمی‌شود. از این رو، احصا و شناسایی چالش‌ها و مشکلات ذکر شده در مورد مباحث و حوزه‌های مختلف، می‌تواند در تهیه و پیشبرد برنامه‌های بعدی مؤثر باشد. با توجه به اینکه در طی سال‌های اخیر رشد اقتصادی یکی از مهم‌ترین بحث‌ها بوده است، بدین ترتیب سعی شد در این مطالعه عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری و صادرات ایران در دوره چشم‌انداز بررسی شود. در واقع به این طریق هم بررسی و ارزیابی عملکرد سند مذکور و برنامه‌های چهارم، پنجم و ششم توسعه، در حوزه رشد اقتصاد مورد توجه است و هم علل عدم موفقیت برنامه چشم‌انداز در تحقق رشد اقتصادی مشخص می‌شود. سپس، در راستای دستیابی به هدف تحقیق از داده‌های دوره فصل اول ۱۳۸۴ تا فصل اول ۱۴۰۲ استفاده و سه معادله در نظر گرفته شد. این معادلات در چارچوب سیستم معادلات هم‌زمان و در قالب روش حداقل مربعات دومرحله‌ای (2SLS) حل شده است.

نتایج حاصل از تحقیق بدین ترتیب است که بر اساس معادله تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی حقیقی؛ مشخص شد افزایش تولید ناخالص داخلی حقیقی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثر مثبت بر رشد سرمایه‌گذاری حقیقی داشته‌اند. از طرفی، نمایان شد افزایش تورم اثر منفی بر سرمایه‌گذاری حقیقی داشته و یک عامل مهم در جهت کاهش آن بوده است. همچنین، در این معادله تأثیر تحریم‌های دو مقطع زمانی ۱۳۹۱-۱۳۹۴ و ۱۳۹۷-۱۴۰۰ (به صورت متغیر مجازی) برآورد شد که نشان می‌دهد تحریم‌ها در هر دو مقطع مذکور یک عامل در جهت کاهش سرمایه‌گذاری بوده‌اند. ضریب ۰٫۳۲- برای تحریم‌های مقطع ۱۳۹۷-۱۴۰۰ نسبت به ضریب ۰٫۱۴- تحریم‌های ۱۳۹۴-۱۳۹۱ نشان می‌دهد که شدت تأثیرگذاری تحریم سال‌های ۱۳۹۷-۱۴۰۰ بر کاهش سرمایه‌گذاری بیش‌تر بوده است. بر اساس معادله صادرات؛ مشخص شد رشد اقتصادی داخل و رشد اقتصادی کشور چین برافزایش صادرات کشور ایران تأثیر مثبت داشته‌اند. همچنین، نتیجه تخمین این معادله نشان داد در دوره زمانی مورد بررسی، افزایش و تغییرات نرخ ارز بازار آزاد با ضریب ۰٫۰۹- عاملی در جهت کاهش صادرات بوده است. در این معادله نیز به‌مانند معادله سرمایه‌گذاری، تأثیر تحریم‌های ۱۳۹۴-۱۳۹۱ و ۱۳۹۷-۱۴۰۰ بر صادرات بررسی شد که نشان می‌دهد علاوه بر اینکه هر دو مقطع تحریمی باعث کاهش صادرات ایران شده، اما تحریم‌های ۱۳۹۷-۱۴۰۰ با ضریب ۰٫۲۶- شدت آن نسبت به تحریم‌های ۱۳۹۴-۱۳۹۱ با ضریب ۰٫۱۸- بر کاهش صادرات بیش‌تر بوده است. در نهایت بر اساس معادله تولید ناخالص داخلی حقیقی؛ مشخص شد سرمایه‌گذاری حقیقی با ضریب ۰٫۲۷ و صادرات با ضریب ۰٫۱۲ رابطه مثبت و معناداری با تولید ناخالص داخلی حقیقی داشته و جزو عواملی هستند که باعث افزایش رشد اقتصاد ایران شده‌اند؛ بنابراین، لازم به ذکر است تمامی عوامل ذکر شده که در جهت افزایش یا کاهش سرمایه‌گذاری و صادرات نقش داشتند، برافزایش یا کاهش رشد اقتصادی نیز تأثیرگذار می‌باشند. علاوه بر سرمایه‌گذاری و صادرات، رشد اقتصادی دوره قبل با ضریب ۰٫۷، لگاریتم مخارج دولتی با ضریب ۰٫۰۹ و رشد منابع نفتی

نیز با ضریب ۰/۰۰۷ رابطه مثبت با لگاریتم تولید ناخالص داخلی حقیقی داشته‌اند و به‌نوعی هرکدام نقشی در افزایش رشد اقتصاد ایران ایفا کرده‌اند؛ اما لگاریتم واردات با ضریب ۰/۱۱- رابطه منفی با لگاریتم تولید ناخالص داخلی داشته و همان‌طور که در بحث‌های مدل مفهومی نیز بیان شد، به‌نوعی در جهت کاهش رشد اقتصادی عمل کرده است. یکی دیگر از عوامل موردبررسی بر رشد، کووید ۱۹ بوده است. این متغیر که از اواخر سال ۱۳۹۸ به‌نوعی جهان و ایران را به خود مشغول کرد، برای مشخص شدن اثر آن بر رشد اقتصاد ایران، به‌صورت متغیر مجازی وارد مدل شد. همان‌طور که در بحث‌های مدل مفهومی نیز به‌طور کامل بیان شد که این ویروس چه آثار مخربی بر اقتصاد کشور داشته، در مدل نیز رابطه بین کرونا و رشد اقتصادی منفی بوده و در دوره مذکور این بیماری یک مانع در جهت رشد اقتصاد ایران بوده است. با توجه به نتایج بالا، در راستای سؤال تحقیق مشخص می‌شود که عواملی ازجمله تحریم‌های مقاطع مختلف، نرخ ارز و تورم از طریق اثرگذاری بر سرمایه‌گذاری، صادرات، همچنین واردات و ویروس کرونا عمده‌ترین عوامل عدم تحقق هدف‌گذاری رشد اقتصادی در سال‌های چشم‌انداز بوده‌اند. از طرفی با توجه به نتایج حاصل از پژوهش، فرضیه تحقیق مبنی بر اثرگذاری تحریم‌ها، افزایش تورم و افزایش نرخ ارز در جهت عدم تحقق اهداف رشد اقتصادی در سال‌های موردبررسی پذیرفته می‌شود.

با توجه به نتایج حاصل از تحقیق و ازآنجا که رشد اقتصادی نیازمند تأمین مالی و سرمایه‌گذاری مناسب داخلی و خارجی است، لذا پیشنهاد می‌شود؛

- روابط ایران با جامعه بین‌الملل از ثبات و پایداری لازم برخوردار باشد، در این رابطه و برای ایجاد ثبات، باید اقدامات مناسبی از سوی سیاست‌گذار در راستای مواردی مانند تحریم‌ها انجام شود.

- دیپلماسی فعال خارجی در جلوگیری از شکل‌گیری اجماع برای تشدید تحریم‌ها علیه ایران و کاهش تحریم‌های یک‌جانبه، به‌ویژه در زمینه تحریم‌های مالی و بانکی ایجاد گردد.

- سهم ایران در زنجیره تأمین بین‌المللی در حوزه‌های مرتبط با منابع طبیعی، معادن و نیز سرمایه انسانی در کشورهای گوناگون افزایش یابد.

- با توجه مزیت‌های نسبی بالا در زمینه‌های انرژی و نیروی کار ارزان و شرایط جغرافیایی منحصربه‌فرد ایران، بهتر است با اتخاذ راهبردهایی زمینه جذب سرمایه‌گذاری خارجی فراهم شود تا با ایجاد منافع برای آنان در کشور ایران، زمینه همراهی دیگر کشورها با تحریم‌کنندگان کاهش یابد.

- استفاده از سازوکارهای سرمایه‌گذاری خارجی ایران در سایر کشورها، به‌ویژه در چارچوب زنجیره تأمین مرتبط با مزیت‌های نسبی کشور ایران، مانند صنایع و رشته فعالیت‌های مرتبط با منابع و معادن پایه ایرانی که صدور این نوع منابع را تضمین کند.

- از سازوکارهای ویژه برای انتقال سود سرمایه‌گذاری‌های خارجی به کشورهای مبدأ با بهره‌گیری از پیمان‌های دو یا چندجانبه پولی و مالی استفاده شود.

منابع

منابع داخلی

- استادی، حسین (۱۳۹۵). عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی ایران و اثر افزایش قیمت حامل‌های انرژی. فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی. ۶ (۲۴). ص ۱۳۳-۱۴۴.
- اسنودان، برایان و آر. وین هوآرد، (۲۰۰۵). اقتصاد کلان جدید (منشا، سیر تحول و وضعیت فعلی). ترجمه خلیلی عراقی و سوری، تهران، انتشارات سمت.
- حقیقت، جعفر و نازیلا محرم‌جودی، (۱۳۹۵). "تأثیر شوک مخارج دولتی بر رشد تولید ناخالص داخلی در ایران: رهیافت ARDL" فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، ۱۰ (۴)، صص ۱۴۱-۱۶۶.
- خوش‌مو، محمد؛ مصطفی‌گودرزی و قاسم نوروزی، (۱۴۰۰). «پیش‌بینی تقاضای آب در بخش کشاورزی استان‌های حاشیه دریای خزر: مقایسه الگوی مارکوف-سوئیچینگ و شبکه عصبی». اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۲۹ (۴)، صص ۲۰۵-۲۴۵.
- دبیرخانه کارگروه اقتصادی کرونا (خردادماه ۱۴۰۰). گزارش عملکرد کارگروه مقابله با پیامدهای اقتصادی ناشی از شیوع ویروس کرونا. دژ پند، فرهاد (۱۴۰۲). برنامه‌ریزی در ایران: موفقیت‌ها، شکست‌ها و راهبردهای بهبود عملکرد. تهران، نشر نور علم.
- دژ پند، فرهاد و ریحانه بخارابی، (۱۳۹۵). بررسی رابطه توسعه مالی و رشد اقتصادی در ایران بر اساس الگوی اقتصاد کلان پساکینزی. نشریه اقتصاد مالی، شماره ۳۴.
- دژ پند، فرهاد و محمد سالاری شهری، (۱۴۰۳). عوامل مؤثر بر نورم در سه برنامه توسعه دوره چشم‌انداز. فصلنامه پژوهش‌های برنامه و توسعه، ۵ (۲)، ص ۹۷-۱۳۱.
- دژ پند، فرهاد، محمد سالاری شهری و رضا محسنی، (۱۴۰۳). اثر فروش اوراق بدهی دولتی به بانک‌ها بر نقدینگی. فصلنامه اقتصاد بایات، ۵ (۳)، ۵-۲۹.
- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای. (In. <https://farsi.khamenei.ir>)
- سادات‌اخوی، سید محمدحسین و شمس‌الدین حسینی، (۱۳۹۶). «ارزیابی تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر تورم اقتصاد ایران». فصلنامه اقتصاد کاربردی، ۷ (۲۱).
- سوری، علی (۱۴۰۰). اقتصادسنجی (جلد دوم). تهران، نشر نور علم.
- شورکی، یوسف و ویدا واعظی، (۱۴۰۰). «عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی ایران با توجه به نقش شاخص‌های توسعه انسانی». فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۵ (۸۳)، صص ۶۲۱-۶۴۱.
- طیعی، کمیل؛ خدیجه نصرالهی، مهدی یزدانی و حسن ملک‌حسینی، (۱۳۹۴). «تحلیل اثر عبور نرخ ارز بر تورم در ایران» (۱۳۹۱-۱۳۷۰). پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۲۰ (۶۳)، صص ۱-۳۶.
- عزتی، مرتضی و یونس سلمانی، (۱۳۹۴). «برآورد اثر تحریم‌های اقتصادی بر رشد اقتصادی ایران». فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، ۱۸ (۶۷).
- عیدوزهی، امام‌بخش؛ محمد محبی و سید یعقوب زراعت‌کیش، (۱۴۰۱). «بررسی عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی گروه D8» پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۱۳ (۵۲)، صص ۳۱-۴۶.
- فرج‌زاده، زکریا؛ حمید آماده و محمد عمرانی، (۱۳۹۶). «عوامل تعیین‌کننده رشد اقتصادی ایران». تحقیقات اقتصادی، ۵۲ (۳)، صص ۶۶۳-۶۸۶.
- فرجی تبریزی، ارشیا؛ کامبیز هژیر کیانی، عباس معمارنژاد و فرهاد غفاری، (۱۴۰۲). «بررسی عوامل مؤثر بر تولید ناخالص داخلی کشورهای منتخب با تأکید بر نقش نرخ ارز: رویکرد PMG و ARDL» فصلنامه علمی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۱۳ (۵۰)، صص ۸۹-۱۰۶.

گجراتی، دامودار (۱۳۷۸). مبانی اقتصادسنجی (جلد دوم)، ترجمه حمید ابریشمی، انتشارات دانشگاه تهران.

موسوی جهرمی، یگانه (۱۳۹۲). توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، انتشارات پیام نور.

مهر آرا، محسن و رضائی برگشادی (۱۳۹۵). "بررسی عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی ایران مبتنی بر رویکرد متوسط‌گیری بیزین (BMA) و حداقل مربعات متوسط وزنی (WALS)" فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه، ۶ (۲۳)، ۸۹-۱۱۴.

نادمی، یونس و ناهید بهاروند، (۱۳۹۷). «مدل‌سازی عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی در ایران: رویکرد مارکوف-سوئیچینگ گارچ». فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، ۶ (۲۴)، صص ۳۳-۵۸.

منابع خارجی

- Azam M. & Khan S. (2020), " Threshold effects in the relationship between inflation and economic growth: Further empirical evidence from the developed and developing world". *International Journal of Finance & Economics*.
- Aziz R. & Azmi A. (2017). " Factor Affecting Gross Domestic Product (Gdp) Growth in Malaysia". *International Journal of Real Estate Studies*, 11(4).
- Babatunde S.A. (2018). "Government spending on infrastructure and economic growth in Nigeria". *Economic Research-Ekonomiska Istraživanja*, 31(1), pp 997-1014.
- Chandana A. Adamu J. & Musa A. (2021). " Impact of Go Impact of Government Expenditure on Economic Growth in Nigeria, 1970-2019". *CBN Journal of Applied Statistics*, 12(1), pp 139-174.
- Irwin, D. A (2024). Does Trade Reform Promote Economic Growth? A Review of Recent Evidence. *The World Bank Research Observer*, Volume 40, Issue 1, PP 147-184.
- Kumari R. Shabbir S. Saleem S. Khan G.Y. Abbasi B.A. & Lopez L.B. (2021). " An empirical analysis among foreign direct investment, trade openness and economic growth: evidence from the Indian economy". *South Asian Journal of Business Studies*.
- Mia S. & Akter M. (2019). " Factors Affecting Gross Domestic Product of Bangladesh". *IOSR Journal of Economics and Finance*, 10(4), pp 66-70.
- Olamide E. Ogujiuba, K, & Maredza A. (2022). " Exchange Rate Volatility, Inflation and Economic Growth in Developing Countries: Panel Data Approach for SADC". *Economics*, 10(67).
- Reuben Kira A. (2013). " The Factors Affecting Gross Domestic Product (GDP) in Developing Countries: The Case of Tanzania". *European Journal of Business and Management*, 5(4).
- Shabbir M.S. Bashir M. Abbasi H.M, & Abbasi B.A. (2021), " Effect of domestic and foreign private investment on economic growth of Pakistan". *Transnational Corporations Review*, 13(4), pp 437-449.
- Uddin I. & Rahman K. (2022). " mpact of corruption, unemployment and infation on economic growth evidence from developing countries". *Quality & Quantity*.
- Yime, Addis (2023). The effects of FDI on economic growth in Africa. *The Journal of International Trade & Economic Development, An International and Comparative Review*, Vol 32, Issue 1.